

آنکه انسانی را غمگین سازد، اگر همه‌ی دنیا را به او
بر بدهد؛ جبران کارش نمی‌شود و پاداشی نیز ندارد.

پیامبر اکرم (ص)، بحار ۱۵۰/۷۵

آبتاب

نشريه فرهنگ اجتماعي

دوستان عزیز شما می توانید برای ارتباط با ما و یا دادن آگهی از ایمیل abtabjournal@gmail.com استفاده کنید و یا با شماره تلفن ۰۹۳۸۱۹۶۰۴۹۲ تماس حاصل فرمائید. همچنین، می توانید مقالات خود را به ایمیل abtabarticle@gmail.com ارسال کنید. هر یک از شما دوستان عزیز در ایران و حتی دور از مرزهای سرزمین مادری، می توانید خبرنگار افتخاری ما باشید. مطالب شما در صورت تأیید صحت آنان توسط کارشناسان آبتاب به نام نویسنده‌ی آن چاپ خواهند شد. لطفاً نظرات، پیشنهادات و راهکارهای سازنده خود را از ما دریغ نفرمائید. ماهنامه آبتاب هر ماه به بهترین پیشنهادها، راهکارهای سازنده و مقالات هدیه ای به رسم یادبود اهداء خواهد کرد. از اینکه همراه و یاور ما در راه اعتلای فرهنگ کشور عزیzman ایران هستیم، صمیمانه سپاسگزاریم. استفاده از مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

نشریه الکترونیکی آبتاب

دوره انتشار: ماهنامه

موضوع: فرهنگی-اجتماعی

زبان: فارسی

شروع انتشار: ۱۳۹۴ ماه آذر

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: فاطمه مهسا کارآموزیان

رئیس شورای سیاست گذاری: مرتضی رجائی خراسانی

مشاور حقوقی: سید جمال موسوی

مدیر فنی: شارا سرکیسیان

طراح گرافیک و صفحه آرا: عادل خداوردی، استودیو گرافیک زیگورات

مدیر اجرائی: آذر سعیدلو نیا

آدرس: تهران، شهرک غرب، خیابان گل افshan.

آدرس پایگاه خبری: www.abtaab.ir

ضریب کیفی نشریه فرهنگی اجتماعی آبتاب براساس جلسه مورخ ۳/۱۰/۹۵ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی برابر با ۷۲ اعلام شده است.

سخن سردبیر فاطمه مهسا کارآموزیان

با توسعه جوامع، بسیاری از زنان به انجام فعالیت‌های اقتصادی روی می‌آورند و در وضعیتی برابر با مردان قرار می‌گیرند. مشارکت زنان تحصیل کرده در رشد اقتصادی جامعه امری بدیهی است و منجر به استقلال مالی آنها و افزایش توان اقتصادی خانواده‌هایشان می‌شود که در نتیجه‌ی آن سطح فقر در جامعه کاهش می‌یابد. در این میان، بخشی از زنان به عنوان نیروی کار غیررسمی فعالیت می‌کنند که برخی از آنان ساکن مناطق روستایی هستند. گروه دیگری از این زنان نیز به عنوان فروشنده‌گان خیابانی فعالیت می‌کنند تا بتوانند به اقتصاد خانواده کمک نمایند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که این زنان، در این شرایط وضعیتی بسیار آسیب پذیر دارند و کار آنها با چالش‌های متعددی از قبیل: آزار و اذیت با تخریب و مصادره محصولات و یا کالاهایشان، ضرب و شتم، دستگیری، جریمه و زندان همراه است. باید اعتراف کرد که دستفروشی کار آسانی برای زنان نیست و آنها در برخی موارد حتی تجاوز و آزار جنسی را نیز تجربه می‌کنند. اینجا صحبت از فقر و آسیب پذیری است. واقعیت این است که آنها فقیر و به دنبال کسب درآمدی هستند و بیشتر شامل زنان سرپرست خانواده که اغلب نقش مادر و همسر را نیز بر عهده دارند و تنها نان آور خانه می‌باشند، است. این افراد معمولاً به دلیل طلاق، مرگ همسر و یا بیکاری وی به دستفروشی روی آورده و با وجود خطر خشونت در خیابان به این کار ادامه می‌دهند. فعالیت کاری این زنان بیشتر اجباری و برای گریز از فقر مطلق است که برای تأمین معیشت خانواده اشان بنناچار آن را ادامه می‌دهند. متأسفانه، در بین این گروه سالمدانی را می‌بینیم که بدون هیچ پوشش بیمه‌ای و دریافت مقرری برای تأمین معاش خود مجبور به دستفروشی می‌شوند.

نیاز جامعه‌ی امروز ما، شناخت علل دستفروشی و چالش‌هایی است که زنان دستفروش با آن مواجه هستند تا بتوان با اتخاذ سیاست‌های صحیح و تصویب قانون توسط دولت این قشر از جامعه را تحت پوشش حمایتی درآورده تا سطح آسیب در جامعه کاهش داده شود. به امید فردایی امن تر برای زنان سرزمینیم!



کسانی که محیط زیست را نابود می کنند از خبیث ترین افراد هستند

حضرت آیت الله خامنه ای: «الجوج ترین، خبیث ترین، سرسخت ترین دشمنان که خصوصیاتی برایشان ذکر می شود؛ یکی از خصوصیات این است: «إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرَثَ وَ التَّسْلِ»، حرث و نسل را از بین می برد، فاسد می کند؛ کشت را - یعنی تولید گیاهی را و تولید انسانی را - نابود می کند و از بین می برد.» امروز اگر شما نگاه کنید در سیاست‌های دنیا می توانید پیدا کنید کسانی را که همین کار را بالفعل با همه ملتها و یا با بسیاری از ملتها دارند انجام می دهند؛ اهلاک حرث و اهلاک نسل؛ این را خدای متعال فساد می داند، بعد هم می فرماید: «وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ».

دها روایت با مضامین عالی در اسلام، در متون دینی ما درباره ی زمین، درباره ی محیط زیست ما هست؛... که اشاره می کند به فرآورده‌های روی زمین که همه اش مال بشریت و متعلق به شما است؛ قضیه ی محیط زیست خیلی قضیه ی مهمی است.

۹۳/۱۲/۱۷

راه اندازی «خانه امن» در تمام استانها

رضا جعفری، رئیس اورژانس اجتماعی کشور ضمن تشریح مهم ترین برنامه‌ی اورژانس اجتماعی در سال ۹۷ گفت: "در حال حاضر ۲۱ مرکز تحت عنوان «خانه امن» در کشور فعال هستند که قرار است در سال جاری همه استان‌ها از آن برخوردار شوند".

وی با بیان اینکه یکی از اقدامات سازمان بهزیستی، حمایت از زنان تحت خشونت و آزار و پذیرش و ساماندهی آنها در مراکزی تحت عنوان «خانه امن» است، افزود: این مراکز از سال ۹۲ با رویکرد خانواده محور و سیستماتیک به افراد درگیر خشونت و آسیب دیده به صورت شبانه روزی و به شکل رایگان به دو صورت مداخلات کوتاه مدت و تامین نیازهایی چون خوراک، پوشак و سرپناه برای زنان خشونت دیده و زندانی مشغول به فعالیت هستند. ایشان مداخلات بلند مدت با هدف حمایت و توانمند سازی مراجعین در زمینه های آموزشی و بهداشتی، درمانی، حقوقی، مددکاری اجتماعی و مشاوره‌ای را از دیگر خدمات ارائه شده در «خانه‌های امن» عنوان کرد و گفت که این مراکز اکنون در ۲۱ استان فعال هستند و در سال جاری تمامی استان‌ها از آن بهره مند خواهند شد.

رئیس اورژانس اجتماعی ضمن تشریح مهم ترین برنامه‌های این مرکز در سال جاری نیز اظهار کرد که آگاه سازی عمومی جهت آشنایی شهروندان با حوزه اورژانس اجتماعی، بازتعریف مجدد اورژانس اجتماعی جهت انجام حمایت‌های روانی اجتماعی از بازماندگان بلایا و حوادث طبیعی و غیرطبیعی از مهمترین برنامه‌های اورژانس اجتماعی در سال ۹۷ خواهد بود. جعفری در ادامه تصريح کرد: "بومی سازی مدل‌های مداخلاتی مناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقلیمی مناطق مختلف ایران، تدوین و طراحی شیوه نامه‌های اقدام و عمل در حوزه مداخلات مربوط به خشونتهای خانگی، خودکشی و برگزاری کارگاه‌های آموزش تخصصی و کاربردی ویژه کارشناسان اورژانس اجتماعی از دیگر برنامه‌های این مرکز خواهد بود".





تشکیل تیم‌های سیار برای شناسایی دختران دارای رفتار پر خطر

مشاور وزیر بهداشت در امور زنان از اجرای طرح افزایش آگاهی دختران نوجوان دربارهٔ رفتارهای پر خطر و تشکیل تیم‌هایی برای شناسایی نوجوانان در معرض خطر و پر خطر خبر داد. دکتر ساره محمدی دربارهٔ جزئیات تفاهم‌نامه مشترک دفتر امور زنان وزارت بهداشت و معاونت زنان ریاست جمهوری که بهمن ماه سال گذشته منعقد شد، توضیح داد و گفت: "کار دفتر امور زنان تسهیل برنامه‌ها، هماهنگی و هم افزایی با معاونت‌های مختلف وزارت بهداشت است. ما می‌توانیم نقاط ضعف و قوت برنامه‌ها را شناسایی کنیم تا آن‌ها را ارتقاء دهیم. اگر این برنامه‌ها مخاطبین بیشتری داشته باشند، اجرای آن را در استان‌های دیگر در دستور کار قرار می‌دهیم".



دلیل حذف ۴۰ ماده از لایحه «تأمین امنیت زنان»

اشرف گرامی زادگان، مشاور پارلمانی و حقوقی معاونت امور زنان و خانواده رئیس جمهور با اشاره به حذف حدود ۴۰ ماده از لایحه «تأمین امنیت زنان» تأکید کرد: "این مواد به هیچ دلیلی حذف نشده‌اند، مگر اینکه تکراری بوده‌اند."

وی با بیان اینکه لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت از حدود سال ۹۰ در جریان بوده است، افزود: "در این سالها افراد زیادی روی این لایحه کار کرده و نظر داده‌اند، ولی وقتی این لایحه به دولت یازدهم رسید نکاتی داشت که با همکاری چند تیمی که با آنها می‌کردیم منجر به اصلاحاتی در لایحه شد."

وی با اشاره به اینکه آخرین اصلاحات زمانی انجام شد که ما این لایحه را به دولت دادیم، اظهار کرد: "این لایحه ابتدا ۹۱ ماده بود و علت آن هم این بود که در طی سالها هیچ کاهشی در آن اتفاق نیفتاده بود. وقتی لایحه به دولت رفت و بعضی از موارد آن به دلیل اصلاح قانون مجازات اسلامی و آئین دادرسی مدنی در سال ۹۲ و ۹۴ که موارد مشابه زیادی با این لایحه داشت، اصلاح شد."

مشاور پارلمانی و حقوقی معاونت امور زنان و خانواده رئیس جمهور با اشاره به اینکه این موارد در جلساتی که در قوه قضائیه داشتیم اصلاح شده است، تصريح کرد: "وقتی این لایحه از دولت آمد، چون جنبه جرم و مجازات داشت، باید براساس قانون، قضایی می‌شد و به همین دلیل ما وارد قوه قضائیه شدیم. قوه قضائیه خیلی خوب و سریع با ما همکاری کرد؛ چرا که همانطور که می‌دانید کار در قوه قضائیه اطلاله دارد ولی مسئولان قوه قضائیه که خودشان هم احساس نیاز می‌کردند، قبول کردند تا رسیدگی به این لایحه را تسريع بخشنده؛ به همین دلیل واحد حقوقی معاونت زنان ۶ ماه به قوه قضائیه می‌رفت. حدود ۱۸ قاضی از قسمت‌های متفاوتی که خود قوه قضائیه تعیین کرده بود به این لایحه رسیدگی می‌کردند و تمام آنها نیز با سابقه و بسیار حاذق بودند. در واقع، «تکراری بودن» دلیل حذف ۴۰ ماده از لایحه تأمین امنیت زنان بوده است.



جذب ۵۵۰۰ کودک اتباع فاقد اوراق هویتی در مدارس

رضوان حکیم زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش از فعالیت ۲۴ مدرسه خودگردان افغان در ایران خبر داد و گفت: "آمار کل دانش آموزان اتباع ۳۲۲ هزار و ۴۵۰ نفر است. از مجموع دانش آموزان اتباع، ۹۱ درصد اتباع افغانستان هستند". وی در ادامه گفت که در بی فرمان رهبری دستورالعمل ثبت نام کودکان اتباع فاقد اوراق هویتی صادر و باعث شد لازم‌التعلیمان از فرست تحقیل در مدرسه برخوردار شوند، هرچند معتقدیم آموزش حقی برای همه کودکان است و منتی بر آنها نیست. او با بیان اینکه اکنون در دوره ابتدایی ۲۹۳ هزار و ۳۶۶ دانش آموز داریم، افزود: "آمار کل دانش آموزان اتباع ۳۲۲ هزار و ۴۵۰ نفر است، این در حالیست که ۵ هزار نفر از کودکان در سنین پیش دبستانی نیز از اتباع هستند؛ از مجموع دانش آموزان اتباع، ۹۱ درصد اتباع افغانستان هستند و اگر تراکم کلاسی را درنظر بگیریم می‌توان گفت ۱۱ هزار و ۷۰۰ معلم برای آنها تخصیص داده شده است و بدون آنکه یک ریال بودجه خارجی دریافت کرده باشیم، اینکار را انجام داده ایم. به گفته‌ی وی، ۵۵۰۰ کودک اتابع فاقد اوراق هویتی در سال گذشته جذب شدند.

احمد حاجی، مدیر کل دفتر سلامت روانی اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت گفت که هرگونه رفتار آسیب زننده به خود و هرگونه تهدید به خودکشی از سوی نوجوانان باید جدی گرفته شود و ما باید نوجوان را برای دریافت خدمات درمانی و روان پزشکی حمایت و همراهی کنیم. اگر رسانه‌ها به پرنگ نمودن حاشیه‌های مربوط به افرادی که خودکشی کرده‌اند بپردازند، نه تنها کمکی به کاهش این رفتار نمی‌کند، بلکه ممکن است در مواردی، موجب افزایش پدیده‌ی خودکشی‌های تقليدی به خصوص در نوجوانان نیز بشوند. آن‌چه که به مردم جامعه‌ی امروزی ایران کمک می‌کند، این است که به دنبال انتشار اخبار مربوط به خودکشی، رسانه‌ها در یک اقدام هم گام با یکدیگر، مخاطبان را به توجه بیشتر به امر پیشگیری در سلامت روان سوق دهند و در جهت ارتقای سطح سواد سلامت روان مردم و درک نیاز به دریافت خدمات تخصصی برای درمان مشکلات مربوط به حوزه‌ی سلامت روان بکوشند تا نظام سلامت نیز بتواند خدمت خود را به دست خدمت گیرندگان نیازمند برساند. خودکشی و رفتارهای آسیب زننده به خود (خودزنی) در نوجوانان، اغلب نشانه‌ای از ابتلای فرد به یک اختلال روان پزشکی است، یعنی عوامل برون‌زاد و درون‌زاد مختلفی می‌توانند دست به دست هم داده و باعث شوند که نوجوان اقدام به خودکشی کند.

اختلالات روان‌پزشکی، مانند: افسردگی در صدر این علل قرار دارد. هرچند، بسیاری از موارد اقدام به خودکشی منجر به فوت نمی‌شوند، اما هر یک اقدام به خودکشی خطر اقدام بعدی را در خود فرد و یا اطرافیان او چندین برابر می‌کند. خودکشی تقليدی نوعی از خودکشی است که در نوجوانان به دنبال انعکاس نامناسب اخبار مربوط به خودکشی و یا حتی به دنبال خودکشی یکی از همسالان و به دلیل ویژگی تقليدپذیری بیشتر در نوجوانان ممکن است رخ دهد. بیش ترین میزان اقدام به خودکشی در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال است و آمار نشان دهنده‌ی بالاتر بودن میزان اقدام به خودکشی در زنان است که یکی از دلائل آن می‌تواند بالاتر بودن میزان شیوع افسردگی در آنان باشد. در افراد جوان و نوجوان بدتنظیمی خلق و رفتارهای تکانشی بیشتر است و همین امر سبب می‌شود آمار اقدام به آسیب به خود و اقدام به خودکشی نیز در آن‌ها بیشتر باشد. گاهی خودکشی‌ها در

رسانه‌ها در ارتفاعی سواد سلامت روان جامعه بکوشند

امنیت زنان در جامعه نباید خدشه دار شود



طیبه سیاوشی، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی با اشاره به ویدئوی پخش شده درباره ضرب و شتم یک زن توسط مأمور انتظامی گفت: "در این قضیه عده ای ما را متهمن به دفاع از بدحجابی می کند، اما بحث اصلا این نیست؛ بلکه بحث بسیار مهم «امنیت زنان» است که نباید در جامعه خدشه دار شود." وی افزود: هر چند درباره این ویدئو انقلت های زیادی وجود دارد اما مشاهده آن، شوک شدیدی به جامعه از جمله خود من وارد کرد؛ در حدی که می توانم بگویم طی این چند سال نمایندگی مجلس از هیچ واقعه ای به اندازه این اتفاق، پیام مردمی دریافت نکرده ام. از پیامهای مردمی در اینستاگرام گرفته تا تلگرام و توئیتر. وی با اشاره به ویدئوی مذکور گفت: "باید نخست به این سؤال پاسخ گفت که رفتار این مأمور چقدر در چارچوب قانون آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب سال ۱۳۹۴ می گنجد؟"

او تصريح کرد: "در روانشناسی گفته می شود بعد از نیاز به غذا مهم ترین نیاز انسان، احساس امنیت است. مهم ترین مسئله اکنون این است که «امنیت زنان» در جامعه خدشه دار نشود."

هزینه های مکرر برای رفتارهای غیردینی

شهرناز سجادی اوکیل دادگستری و دستیار حقوق شهروندی معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده

علیرغم اینکه به موجب اصول حقوق ملت در قانون اساسی و مقررات قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری، خشونت فیزیکی و کلامی از سوی ضابطین و مأمورین انتظامی ممنوع و جرم انگاری شده است، لکن متأسفانه هر از گاهی خشونت فیزیکی و کلامی برخی از مأمورین چهره انتظامی شهر را خشن جلوه داده و موجب تحریک احساسات جامعه گردیده و خدمات مأمورین خدوم و شریف انتظامی را مخدوش نموده و بذر کینه را در دل شهروندان می نشاند. ضرب و شتم دختری توسط مأمور خشن اقدام اول و آخر و اتفاقی از سوی "گشت ارشاد" نیست و این صحنه تکراری از گذشته است که بعضاً در وسط شهر بسیاری از شهروندان نیز ناظر آن بوده اند. به راستی مسئول این هزینه بر نظام جمهوری اسلامی و نیروی انتظامی چه کسانی هستند؟ آیا خشونت علیه شهروندان زن با فحاشی و کلمات توهین آمیز و ضرب و شتم و ایجاد فضای پلیسی نتیجه‌ی دل خواه متولیان فرهنگی کشور را حاصل خواهد نمود؟ اگر گشت ارشاد در این سال‌ها با تدبیر و خرد و لطفت واقعاً به "ارشداد" می‌پرداخت و خشونت نمی‌کرد و زنان نجیب و با شخصیت و تحصیل کرده ما را به مانند زنان بد کاره به پلیس امنیت اخلاقی نمی‌برد، بی‌شك امروز در سر گذراها و میادین شهر شاهد روسربازی های به چوب آویخته شده توسط زنان به ستوه آمده نمی‌بودیم و حجاب به چالش قضایی و سیاسی تبدیل نمی‌شد. وقتی گفتیم برای حجاب باید کار فرهنگی می‌کردیم و پلیس را در این امر دخالت نمی‌دادیم برای چنین روزهایی بود که شاهد درگیری پلیس و زنان نباشیم. ای کاش از ظرفیت "گشت ارشاد" با این مأمورین قدر و زبده در مقابله با جرائمی که امنیت منازل، مال، جان و ناموس شهروندان را به مخاطره می‌اندازد، استفاده شود. زنان ایران خود را را از بیراهه می‌دانند و دل در گرو دین و وطن دارند.

بر خورد اخیر مأموران گشت ارشاد با اصول قانون اساسی مغایرت دارد

لیا جنیدی | معاون حقوقی رئیس جمهوری

مأموران نیروی انتظامی مأمور اجرای قانون هستند و باید قوانین و در صدر آن اصول قانون اساسی از جمله اصول ۲۲ و ۳۶ را نقض کنند. اقدام این مأموران با اصول مختلف این قانون از جمله بند ۱۴ اصل ۳، اصل های ۸، ۲۰، ۳۲، ۳۷، ۳۹، بند ۴ اصل ۱۵۶ و به ویژه نصوص اصول ۲۲ و ۳۶ مغایرت آشکار دارد. در ویدیوی منتشره مأموران "گشت ارشاد" به اهانت و خشونت فیزیکی اقدام کردند و نسبت به شخصیت و حیثیت فرد در یک مکان عمومی بی حرمتی کردند، در حالی که به موجب اصول مختلف قانون اساسی، حیثیت، جان و حقوق اشخاص از تعرض مصون است؛ مگر در مواردی که قانون تجویز می کند. اصل بر برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود.

کشف جرم، تعقیب، مجازات و تعزیر مجرمان از جمله وظایف قوه قضائیه است (بند ۴ اصل ۱۵۶) و حکم به مجازات و اجرای آن نیز باید فقط از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد (اصل ۳۶). در این واقعه، اصول یادشده قانون اساسی رعایت نشده و مأموران نیروی انتظامی بدون مجوز قانونی و با خروج از حیطه اختیارات خود مرتكب اعمال مجرمانه ای از قبیل تعرض به حیثیت، توهین و ضرب و شتم شدند. مأموران گشت ارشاد مجاز نیستند که به طور همزمان هم نقش ضابط انتظامی و هم نقش قاضی را ایفاء کنند و در همه حال باید اصل حاکمیت قانون، حق امنیت حقوقی شهروندان اعم از زن و مرد (بند ۱۴ اصل ۳ و اصل ۲۰ قانون اساسی)، و در نتیجه، شأن و منزلت فرد رعایت شود.



جزئیات برنامه های ستاد ملی زن و خانواده

دکتر معصومه ابتکار، معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده با بیان اینکه ۱۶ کارگروه ذیل «ستاد ملی زن و خانواده» فعالیت می کنند، گفت: "بحث نشاط و ورزش بانوان موضوعی است که تقسیم کار دستگاهی برای آن انجام شده است".

ایشان در خصوص فعالیت های ستاد ملی زن و خانواده با اشاره به برگزاری نخستین جلسه این ستاد در اسفندماه سال گذشته، تنظیم شاخص های عدالت جنسیتی و تکلیف ماده ۱۰۱ قانون برنامه ششم توسعه از اصلی ترین برنامه های این ستاد بر شمرد و گفت که همه می دستگاه ها باید در حوزه عدالت جنسیتی شاخص داشته باشند که کارگروه تنظیم شاخص ها در ستاد ملی زن و خانواده تصویب و ابلاغ شده است.

آموزش های قبل و حین و بعد از ازدواج، تحکیم خانواده، بحث های حقوقی، مهارت های ارتباطی از دیگر موضوعاتی است که این ستاد پیگیری می کند، چراکه باید خانواده از زمان شکل گیری با آگاهی و مهارت های خوبی شکل گیرد تا هم مستحکم باشد و هم آسیب های بعدی کاهش یابد.

نماينده اصفهان در مقابل خصوصی سازی آموزش و پرورش خواهد ایستاد

مخالفت قاطع دکتر کامران با خصوصی نمودن آموزش و پرورش

دکتر حسن کامران در مجلس شورای اسلامی، عنوان کرد که طبق قانون اساسی وظیفه‌ی حاکمیت است که شرایط آموزش رایگان را برای همگان فراهم کند. ما کم کم قانون اساسی را آسیب پذیر کرده‌ایم، چه در آموزش و چه در بهداشت و فقط هنوز رویمان نشده است که مساجد را شرکتی کنیم. از قدیم رسم بر این بوده است که مردم مساجد را به صورت خودجوش اداره می‌کردند، ولی اگر شرکتی بشه؛ وقتی افراد وارد مسجد شوند؛ به آنها بگویند مساجد خرج دارند و باید برای نماز خواندن پول بدهید.

زمانی که می‌گوئیم آموزش و پرورش دولتی است و خصوصی نمی‌باشد، عملاً آموزش و پرورش از مردم به بهانه‌های مختلف هزینه دریافت می‌کند. حتی در ثبت نام مدارس، من خودم تماس گرفتم و عنوان کردم شهریه ندارد؛ اما بعدها تحت عناوین مختلف مبلغ زیادی از والدین گرفته‌اند. در این جا مناطق محروم را هم در نظر بگیرم. مواردی هست که دانش آموز کفش به پا ندارد و این کار خدایی نیست؛ بخصوص که در امر آموزش ما شاهد تبعیض هم هستیم. با همت دکتر کامران با خصوصی سازی مدارس مخالفت شد.

بحران کم آبی در اصفهان

دکتر نیّره اخوان بیطرف، نمایندهٔ ادوار مجلس

شورای اسلامی

مردم سلحشور و شهیدپرور اصفهان از آغاز انقلاب اسلامی تا پیروزی آن و پس از پیروزی تا به امروز همراه نامشان در صدر متعهدان، مبارزان و عاشقان این نهضت مبارک و نظام مقدس بوده است. مردمی که با تقدیم بیش از ۲۳ هزار شهید در استان در همه جا عملاً حضور تعیین کننده خود را به اثبات رسانده اند و خانواده معظم شهداء، آزادگان عزیز، جانیازان ارجمند و بسیجیان دلاور نمونه بارز و شاهد زنده این حضورند و به همین سبب امام رحمة الله عليه فرمودند: «در کجای دنیا استانی مثل اصفهان پیدا می شود؟»

این مردم شریف و صبور در حال حاضر درگیر بحران آبی هستند. نیمی از استان اصفهان کویری است و مردمش از بی آبی و یا کم آبی رنج می برند و به همین دلیل مناطق محروم استان از جهات مختلف با کمبودها و نارسائی هایی مواجه است. کاهش نزولات جوی، افت شدید سطح منابع آب زیر زمینی، آلودگی و خشک شدن رودخانه زاینده رود، خشک شدن تالاب گاوخونی و نیز بروز تنش های اجتماعی، از مهمترین پیامدهای خشکسالی و کم آبی در این استان است. رودخانه‌ی زاینده رود نقش مهمی در تأمین آب شرب، صنعت و کشاورزی مناطق مرکزی ایران دارد. متأسفانه، این رودخانه امروز به دلایل متعددی از جمله سوء مدیریت، تغییر اقلیم، مصرف آب شرب بیش از حد استاندارد، توسعه فرآگیر صنایع، بهره برداری بیش از حد منابع آب زیر زمینی در معرض خشکی های متوالی قرار گرفته است. در همین راستا دکتر حسن کامران نمایندهٔ محترم اصفهان در مجلس شورای اسلامی به اتفاق سایر نماینده‌گان اصفهان خواستار برگزاری جلسه اضطراری با رئیس جمهور درباره مشکل بی‌آبی شدند. در حال حاضر وضعیت کمبود آب در استان فلچ کننده شده است. باید گفت که دیگر زمان گفتار درمانی در این خصوص به پایان رسیده و این مشکل باید مرتفع شود. متأسفانه، در برخی از شهرستان‌های اصفهان در پایان بهار آب شربی برای مصرف وجود نخواهد داشت. در روزهای اخیر تجمعاتی در اعتراض به این معضل حتی در زاینده رود وجود داشته است که خوشبختانه تجمع کنندگان به قدری محترم هستند که با اغتشاشات اخیر اصفهان نیز برخورد کرده اند، لذا شایسته است که مشکلات این افراد هر چه سریع تر از بین بروند و حقوق حقایق داران احیاء شود.

فیلترینگ تلگرام و سیاست پرایدی

دکتر علی اکبر گرجی از ندریانی، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

محکوم است اما مطلق فیلترینگ محکوم نیست. همه دولت ها مجازند موارد مغایر با امنیت ملی، نظم عمومی و اخلاق حسنی را کنترل کنند، اما سانسور و فیلترینگ کلی با مبانی قانون اساسی و آزادی بیان سازگار نیست. ناگفته نماند، تولید ابزارک های رقیب ملی امر مثبت و قابل دفاعی است، اما مشروطه به اینکه از کیفیت و امنیت لازم برخوردار باشند. اگر دولتمردان از منظر نامنی و دسترسی بیگانگان به اطلاعات تلگرام دغدغه دارند که دغدغه ای به حق و شایسته توجه است، عموم شهروندان هم از منظر نامنی ها و دستیازی های نیروهای خودسر به ابزارک های داخلی نگرانند. برخی از سیاست های فعلی کشور را می توان «سیاست پرایدی» نامگذاری کرد. گروه هایی که صنعت خودرو کشور را با «سیاست پرایدی» اداره می کنند و سالیانه هزاران نفر را راهی گورستان ها و بیمارستان ها و ویلچرنشینی می کنند و از این طریق تمامیت جسمانی ایرانیان را مورد تجاوز قرار می دهند، از طریق سیاست های مبارزه با آزادی بیان هم با تمامیت معنوی و شخصیتی ملت ایران به ستیز برخاسته اند. بی شک، چنین سیاست هایی به زیان خود سیاستگذاران و ملت نجیب ایران است. فیلترینگ مطلق، مطلقاً محکوم به شکست است.

با وجود تأکید رهبری نظام بر وجود آزادی بیان در ایران و اصرار شورای عالی مجازی به فیلترینگ تلگرام را چگونه توجیه می کنید؟

«فیلترینگ کلی» نوعی اعمال خشونت قدرت علیه جامعه است. با خشونت هرگز به صلح مدنی نخواهیم رسید. ایران امروز به شدت نیازمند آشتنی با خویشتن است. نباید از طریق این دسته از سیاست های غلط شکاف ها و شفاق ها را دو چندان کرد. «فیلترینگ کلی»، نه تنها شرم آور و توهین به شعور انسان هاست؛ بلکه سیاستی بی فایده است. این سیاست هم مانند موارد مشابه قبلی قطعاً محکوم به شکست است.

شکست سیاست مبارزه با آسفالت را فراموش نکنید. شکست سیاست مبارزه با دوش و حمام های مدرن را فراموش نکنید. شکست سیاست های رسانه ملی را فراموش نکنید. شکست سیاست مبارزه با ماهواره و ویدئو را فراموش نکنید. با دیدن این شکست ها چرا دوباره با آبروی نظام جمهوری اسلامی بازی می کنید؟

قدرت باید آن چنان قدرتمند و مردم گرا شود که از ابزارها و ابزارک های آزادی بیان نترسد، البته آزادی بیان هم مانند دیگر آزادی ها مطلق نیست. از این رو، فیلترینگ مطلق



Telegram

محبوبیت سیگار! زهیر باقری نوع پرست

در فراخوان نامبرده، کمپانی ها با تأکید بر اینکه ضرر سیگار اثبات نشده است یا اینکه نمی توان اثبات کرد که سیگار عامل مرگ و میر است از تبلیغ علیه سیگار جلوگیری کردند. این کتاب، همچنین به روش هایی که کمپانی های سیگار به جذب زنان، اقلیت های نژادی و نوجوانان دست زدند، اشاره می کند. کمپانی ها با معرفی سیگارهایی که نیکوتین و قیر کمتری داشتند نوید آسیب کمتر به سلامتی را می دادند، در حالی که در واقع این سیگارها کشنده تر بودند. در این کتاب، نویسنده به ما می گوید که تلاشی فراگیر و سیستماتیک در جریان است که هدف نهایی آن «توزیع جهل» در مورد سیگار بین مصرف کنندگان این محصول است. این چنین پدیده هایی را در فلسفه در شاخه ای به نام «جهل شناسی» بررسی می کنند. برخی نهادهای تجاری - سیاسی از «جهل عمومی» منفعت کسب می کنند. دو مثالی که پروکتور در اثر دیگر خود می زند «بنگاه های مالی» و «نهادهای نظامی» هستند. به عنوان مثال: «پروکتور» با بررسی های خود نشان می دهد که گرمایش زمین چندین دهه است که به عنوان خطری جدی شناسایی شده است، ولی از معرفی این پدیده به عنوان یک خطر جدی به عموم مردم سر باز زده می شود؛ چرا که در آن صورت، قواعد و مقرراتی که کمپانی ها برای محافظت از محیط زیست باید به آنها ملزم شوند مانع برای سودشان می شود. ولی از «قوانين سری طبیعی» سخن می گوید. منظور او از چنین قوانینی این است که امکان دارد برخی نهادها و مراکز قدرت از وجود قوانین طبیعی جدیدی آگاه شده باشند، ولی آنها را با عموم مردم در میان نگذارند چرا که ممکن است برای منافع مالی و روش های درآمدزایی شان اشکال ایجاد کند. توجه به مکانیسم های گسترش و توزیع جهل بین عموم مردم می تواند به ما کمک کند تا متوجه شویم که چرا مصرف کالایی که این میزان ضرر و زیان دارد بین عموم مردم رایج است. شاید به سختی بتوان مصرف کننده سیگاری را یافت که دقیقاً از تمامی ضرر و زیان های سیگار کشیدن آگاه باشد. اغلب افراد باورهایی که در مورد سیگار دارند، مانند اینکه «سیگار کشیدن برای سلامت مضر است»؛ این در حالی است که این روزها این سخن را تقریباً در مورد همه چیز می شنویم. بنابراین، «باورهای کلی» نمی توانند مانع خوبی برای مصرف سیگار باشند.

شاخه ای به نام «جهل شناسی» در فلسفه وجود دارد که کمتر از «معرفت شناسی» شناخته شده است. در «جهل شناسی» به جای بررسی اینکه چه چیزی «دانش» محسوب می شود و معیار تمایز «دانش» از «باورهای غلط» چیست؛ به بررسی جهل، انواع آن و چگونگی گسترش آنها پرداخته می شود. «رابرت پروکتور»، استاد دانشگاه استنفورد، کتابی در همین زمینه دارد و برای تبیین اینکه چرا سیگار می کشیم؟ از جهل شناسی بهره می گیرد. او که در زمینه تاریخ علم و معرفت شناسی تخصص دارد در این کتاب آمار و ارقامی ارائه می کند که بسیار قابل توجه است و تحلیلش را بر این آمار استوار می کند که سیگار سالانه به مرگ حدود نیم میلیون نفر در آمریکا می انجامد؛ یعنی تقریباً از هر پنج مرگ، یکی با سیگار کشیدن مرتبط است که بیش از مرگ و میر ناشی از ایدز، سوء مصرف مواد مخدر، سوء مصرف الکل و تصادف های رانندگی است!

تعداد شهروندان آمریکایی که بواسطه سیگار کشیدن از دنیا رفته اند ۱۰ برابر افرادی است که در تاریخ جنگ های این کشور کشته شده اند! سیگار علت بروز حدود ۹۰ درصد سلطان های ریه است و سالانه ۳۴ هزار نفر به دلیل بیماری های قلبی، ناشی از در معرض دود سیگار بودن، فوت می کنند. با وجود چنین یافته هایی اما باز آمارها می گویند حدود یک میلیارد نفر در جهان سیگار می کشند. ضرر بسیار زیاد سیگار از یک سو و مصرف بسیار بالای آن از سوی دیگر، می تواند ما را به این نتیجه برساند که «ضعف اراده» در انسان ها بسیار رایج است.

«رابرت پروکتور»، در کتاب «هولوکاست طلایی» به بررسی این پرسش پرداخته است که چرا سیگار با وجود این میزان از آسیب برای سلامتی، از چنین مقبولیتی در سطح جهان برخوردار است؟ او در این کتاب بررسی می کند که چگونه کمپانی های قدرتمند و ثروتمند سیگار به روش های مختلف از آسیب رسیدن به منافع شان جلوگیری می کنند. یکی از مشهورترین این موارد، فراخوان «هنوز ثابت نشده» در میانه سده بیستم بود. مکانیسم این فراخوان، مکانیسمی متعارف و مقبول نزد محافظه کاران است. زیان های سیگار، همانند: گرمایش زمین، پارازیت امواج ماهواره ای، یا آلودگی را نمی توان با قطعیت اثبات کرد. این ماهیت «امور تجربی» است، ولی محافظه کاران به جای در نظر گرفتن این خصیصه امور تجربی، در چنین مواردی مطالبه «اثبات» یا «یقین» می کنند.

چطور انسانهایی که به اخلاق، باور دارند دست به شرارت می‌زنند؟

محسن حسن زاده



فرماندهان در «ابوغریب» از لفظ "ترم کردن" به جای شکنجه کردن استفاده می کردند و رهبران نازی کشتار یهودیان را "پاکسازی اروپا" می نامیدند. نمونه های دم دستی ترا این روش استفاده از "اختلاس" به جای دزدی و "شیطنت" به جای خیانتهای جنسی در ازدواج است.

۳- مقایسه با دیگران: در این روش فرد با مقایسه رفتار خود با نمونه هایی بدتر از سوی دیگران از عذاب و جدان خود کم می کند.

۴- جابجایی یا تقسیم مسئولیت: فرد در این حالت مسئولیت را به گردن یک منبع خارجی می اندازد یا آن را میان جماعت بزرگی تقسیم می کند. در قتل عام "می لای" یک گروه از سربازان آمریکایی پانصد غیرنظمی ویتنامی را شکنجه کردن، مورد تجاوز قرار داند، کشتند و بدن بعضی ها را مثله کردن. وقتی ۱۴ نفر از افسران بابت این ماجرا محکمه شدند، مسئولیت را به گردن مافوق انداختند و البته رفع اتهام هم شدند!

۵- انسانیت زدایی از قربانی: منطق کلی این روش مادون انسان در نظر گرفتن سایرین است. هرچه کیفیت انسانی قربانی بیشتر خدشه دار شود، آسیب رساندن به او سهل تر می شود. «کاکاسیا» خواندن برده ها، کم عقل دانستن زنان و... در واقع پیش درآمدی برای همین رفتارهای است.

۶- مقص دراست قلمداد می شود. کارگرانی که بدرفتاری کارفرما را دلیل دزدی خود می دانند، متتجاوزی که می گوید سر و وضع قربانی تحریک آمیز بوده؛ نمونه هایی از این مکانیسم هستند.

«هیتلر» مشروبات الکلی مصرف نمی کرد و سیگار نمی کشید و عاشق موسیقی و نقاشی بود. از آزار دیدن حیوانات ناراحت می شد و برای اولین بار در تاریخ اروپا، قوانین حمایت از حیوانات را وضع کرد. وی حامی محیط زیست و خانواده بود و به زنان احترام می گذاشت. این ویژگی ها در کنار کشتارهای وسیع سردرگم کننده است، با این حال این تضادها در «هیتلر» خلاصه نمی شود؛ بی رحم ترین شکنجه گران هم چه بسا پدرانی دلسوز باشند و از دیدن زخمی در انگشت فرزندشان ناراحت شوند.

پرسش اصلی این است که چطور انسانهایی که باور قوی به ارزش های اخلاقی دارند و در سایر بخش های زندگی دل رحم هستند، می توانند دست به اعمال غیراخلاقی بزنند؟

پاسخ «بندورا» استاد دانشگاه استنفورد چنین است که افراد معمولاً دست به اعمال ناپسند نمی زنند، مگر آنکه جنبه های غیراخلاقی آن اعمال را برای خودشان توجیه کرده باشند. او این حالت را "غیرفعال کردن کنترل درونی" نامید.

این اتفاق چگونه روی می دهد؟ «بندورا» چند مکانیسم شناختی- روانی را که می توانند باعث غیرفعال شدن کنترل درونی افراد شوند توضیح داد:

۱- توجیه اخلاقی: با تأکید بر اهداف متعالی رفتار غیراخلاقی طوری توجیه می شود که قابل دفاع یا حتی ستایش آمیز به نظر برسد. شستشوی مغزی هم مثالی از این روش است. ترویستهای انتحراری با همین روش اقناع می شوند، پاک کردن زمین از گناه، رفتن به بهشت موعود و...

۲- تلطیف لغوی یا حسن تعبیر: نامگذاری یک فعل غیراخلاقی با کلمات متفاوت که چهره آن را می پوشاند.

چه باید کرد؟

محمد شفیعی مقدم، پژوهشگر علوم سیاسی

اجتماعی تعییر کرد. شاید این بیم و اضطراب بیشتر ناشی از آسیب پذیری فزاینده جامعه ایرانی در برابر این واقعیت اجتماعی نوپدید باشد. آسیب پذیری و تزلزل مقابل تکاپوهای اجتماع، البته بیشتر حاصل شیوه برخورد عاری از تدبیری است که می‌تواند از هر اتفاقی، بحرانی بنیان کن بسازد. مدیریت محدودیت ساز و برخورد قهرآمیز با پدیده بی‌حجابی به قصد خاموش کردن موج به راه افتاده، گرچه مطلوب جماعتی باشد؛ اما پایان کار نخواهد بود. متولّشدن به جبر برای گسترش و برپایی ارزش‌های شریعت گرایانه نه تنها با شیوه عمل اولیای دین تضاد روشنی دارد، بلکه از جهت توفیق عملی نیز راه به جایی نخواهد برد. گذر موقیت آمیز از مسائله اعتراف به حجاب جز با تن دادن به نگاه کارشناسانه و عبور از حصار تنگ قرائت‌های جزم گرایانه میسر نمی‌شود. داشتن فهمی واقع نگرانه از پدیده‌های اجتماعی و متکی بودن به نگاهی گشوده در مقابل تفاوت‌های فردی و منافع جمعی برای فائق آمدن بر مسائل پردازنه جامعه ضرورتی گریزناپذیر است. کاش گوش شنوایی باشد!

جلوه و جولان بی‌امان رویدادهای پر شگفتی سال گذشته کشورمان که شاید پر تعداد بودنشان هم خود بر حجم خیرگی مان افزوده، کمتر مجالمان داده به ایستادن و تأمل و با دقت کاویدن. کابوس بحران‌های طبیعی اپیدمی وار، اعتراضات بی‌سابقه خیابانی که مطالبات اقتصادی فروdestan را به شعارهای رادیکال طبقه متوسط پیوند زد، رازگشایی‌ها و از پرده بیرون آمدن های حیرت آور و هر روزه اسناد و آرشیوهای خاک گرفته به لطف نزاع‌های پیدا و پنهان سیاسی و دست آخر هم تازه ترین فرآورده‌های ها حادثه و شگفتی: پدیده دختران معارض به حجاب.

دو ویژگی درهم تنیدگی و زنجیره وار بودن این اتفاقات زمانی که با بدگمانی و بی‌اعتمادی به روندهای دنباله دار پیش رو قرین می‌شود، ناخودآگاه ترسی مزمن را دامن می‌زند. ترس از سمت و سوی پرابهام واقعی پرستاب این ایام که می‌تواند به هر آینده‌ی موهومی دچارمان کند.

پر واضح است که نباید این هراس داشتن از آینده موهوم را به بی‌رغبتی نگارنده به پوست اندازی‌های بهبودخواهانه

علت کاهش میل جنسی در خانم‌ها

دکتر مهری نجات، متخصص اعصاب و روان پژوهشگر حوزه آسیب‌های اجتماعی و مدرس دانشگاه تهران

جنسی وسیله انتقام و تلافی می‌شود. همچنین، اعتیاد جنسی و یا رابطه خارج زناشویی نیز از جمله علل کاهش میل هستند. در زنان باردار و شیرده به علت تغییر هورمون‌ها و ایجاد وضعیت جدید کاهش میل جنسی ایجاد می‌شود، پس چه باید کرد؟ اولین کار ارزیابی دقیق توسط متخصص «سکسکترالپیست» است تا علت شناسایی شود و حل گردد و اگر علت بیماری است درمان شود. اگر دچار مشکل در روابط زوجین است، زوج درمانی و اگر مشکل در خلق است درمان گردد. از کارهای دیگر استفاده از «بیوفیدبک» در درمان اختلالات جنسی است و مشاورین با آموزش مهارت‌های جنسی به زوج مثل ذهن آگاهی و تمرکز حسی و نحوه درست ارتباط کلامی در بهبود روابط و در نتیجه ارتباط جنسی موثر هستند و اگر همسر فرد دچار هر نوع اختلال جنسی است، حتماً باید بررسی و درمان شود. یادمان باشد کاهش میل جنسی با یک قطره و عصاره قابل درمان نیست، بلکه باید علت آن مشخص شود و حل گردد. به هر حال، کاهش میل جنسی و بدنبال آن کاهش صمیمیت بین زوج عامل جدایی خواهد بود و باید مسائل مرتبط به این مقوله را جدی گرفت.

کاهش میل جنسی یا به زبان عام سرد مزاجی از شکایات رایج در خانم‌ها به شمار می‌رود، ولی به نظر شما علت یا علل آن چیست؟

پژوهش‌ها نشان داده است، از مهمترین عوامل کاهش میل جنسی در خانم‌ها افسردگی و اضطراب و ترس و همچنین ارتباط عاطفی بین زوج می‌باشد. از عوامل دیگر بیماری‌های جسمی مانند: مشکل تیروئید، دیابت، فشارخون، قلب، میگرن، کم خونی، عفونت‌ها، خونریزی‌های واژن، زخم ناحیه تناسلی، بی اختیاری ادرار و گاز می‌توان نام برد. البته، کسانی که بیماری‌های «نورولوژی» مثل: ام اس. دارند نیز با کاهش میل جنسی روبرو هستند. مصرف بعضی داروهای ضد افسردگی، ضد بارداری، مواد مخدر، سیگار و الکل نیز اثر گذار هستند. گاهی در اثر مشکلات کمری و لگن و مفاصل و دردهای مزمن لگنی و واژینسموس و خشکی واژن رابطه جنسی آزار دهنده می‌شود و بدنبال آن کاهش میل جنسی رخ می‌دهد. گاهی همسر فرد دچار اختلال جنسی است، مثلاً زودانزالی یا اختلال در نعوظ و درنتیجه رابطه مشکل پیدا کرده و باعث کاهش میل جنسی در خانم می‌گردد. در رابطه بین دو زوج اختلافات شدید در زمینه روابط و مسائل خانوادگی و اقتصادی بسیار اثر گذار است. گاهی رابطه

فَرَارِ دُخْتَرَانَ... جَرَا؟

نیالا و فائیان، فعال اجتماعی

متأسفانه، پس از فرار از خانه نه تنها دختران وارد محیط امنی نمی شوند، بلکه در محیط نامن جامعه رها شوند. به گفته‌ی مدیر کل آسیب‌های اجتماعی در ایران، حدود هشتاد درصد دختران فراری در ۲۴ ساعت اول پس از فرار مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند. همچنین، می‌توان گفت که پدیده دختران فراری راه ورودیست به پدیده زنان خیابانی چون اکثر این دختران هرگز نمی‌توانند به خانه و خانواده‌ی خود بازگردند و برای گذارن زندگی مجبور به خودفروشی می‌شوند.

از سوی دیگر، اعتیاد و بیماری‌های جنسی در کمین دختران فراری است و این آسیب‌ها نه تنها برای خود بلکه برای جامعه عوارض و آسیب‌های زیادی را به دنبال دارد. با توجه به نقش والدین در کاهش بروز این پدیده و پیشگیری از آن توصیه می‌کنیم که والدین عزیز ارتباط خود با نوجوانان شان را بهبود بخشنده و نحوه‌ی رفتار و سیاست‌های رفتاری در مقابل نوجوانان را بطور صحیح یاد بگیرند. همچنین، به شرایط روانی فرزند خود کاملاً دقت داشته باشند، چون نوجوانی دورانی است که اکثراً تصمیمات یک نوجوان تحت تأثیر شرایط روانی اش گرفته می‌شود و گاه یک فشار یا استرس کوتاه مدت هم می‌تواند انگیزه‌ای برای فرار باشد. بهتر است هرگونه تهدیدی برای ترک خانه از طرف فرزندان را جدی بگیرید و حتی در این زمینه از کمک مشاور و روانشناس نیز بهره ببرید.

فارغ از علل ایجاد پدیده‌ای به نام دختران فراری، با توجه به وضع فرهنگی حاکم در جامعه؛ در واقع این پدیده نوعی «انصراف اجتماعی» محسوب می‌شود. از دید کارشناسان، این پدیده نه تنها خود یک آسیب است که موجب بروز آسیب‌ها و چالش‌های دیگری نیز می‌شود. فرار از خانه، به اقدام به دوری و عدم بازگشت به منزل بدون اجازه‌ی والدین گفته می‌شود. البته، فرار از خانه در پسران نیز دیده می‌شود، ولی با توجه به اینکه پیامدهای منفی آن برای پسران کمتر است؛ به آن توجه کمتری می‌شود. در این مقاله نیز ما به پدیده‌ی فرار دختران پرداخته ایم.

اصلی ترین دلیل بروز این پدیده رها شدن از یک محیط آزاردهنده و پناه بردن به یک محیط امن است. فارغ از اینکه چقدر تحلیل‌های یک نوجوان از شرایط زندگی اش می‌تواند، صحیح باشد. طبق تحقیقات سالین ۱۴ تا ۲۵ سال بیشترین آمار فرار از خانه را داشته‌اند. محیط‌ها و عوامل آزاردهنده می‌توانند شامل خصوصیات زیر باشند:

- خانواده‌های طلاق
- خانواده‌هایی با محیط پدرسالارانه که بوسیله پدران خشن و سختگیر اداره می‌شود.
- ازدواج‌های اجباری
- دخترانی که از طرف محارم خود مورد سوء استفاده و آزار جنسی قرار می‌گیرند.
- پدران یا مادران معتاد
- فقر مالی و معیشتی
- دخترانی که مشکلات روانشناختی دارند.
- دخترانی که بطور مداوم طرد و تحقیر می‌شوند.

پدیده‌ی شاخه‌ای اینستاگرام

ناصر سبزیان پور

اگر اهل اینستاگرام باشید، احتمالاً پیج تیمارستان را می‌شناسید. این پیج شما را با افرادی آشنا می‌کند که اغلب دچار اختلال شخصیت خودشیفته، نمایشی (هیستریونیک) یا مرزی و یا ترکیبی از این سه هستند. خودشیفته‌ها سعی دارند خود را افرادی ژروتمند و یا به قول خودشان لاکچری معرفی کنند. از مهمانی‌ها و رستوران‌ها و ماشین‌های شان فیلم می‌گیرند و به مخاطبان خود القاء می‌کنند که در شرایطی روایی زندگی می‌کنند که در مخیله بیننده هم نمی‌گنجد.

زنان هیستریونیک (نمایشی) در زننده‌ترین حالت ممکن خود را به نمایش می‌گذارند و عشووهای مصنوعی و نچسب را از خود بروز می‌دهند. اغلب آنها به قدری عمل زیبایی انجام داده‌اند که حتی تقارن صورتشان به هم خورده است و حالتی غیرعادی پیدا کرده‌اند. اشخاص بردر لاین (مرزی) هم که دچار اختلال در هویت هستند یک روز از سیاه مستی خود فیلم می‌گیرند و روز دیگر از شرکت در مراسم عزاداری. یکی همه چیز را با هم می‌خورد و فیلم می‌گیرد و دیگری از قماربازی‌هایش می‌گوید. اما قسمت تلح و دردناک ماجرا این است که این افراد هر کدام چند صد هزار بلکه یک یا دو میلیون نفر فالوور دارند و اغلب از راه تبلیغات درآمد خوبی هم کسب می‌کنند. این نشان از حال خراب جامعه ما دارد، به این معنا که افراد بیمار در جامعه ما جای رشد بیشتری دارند، بیشتر دیده می‌شوند تا آدم‌های حسابی و سالم و اینها بعد از زمانی ملاک و مرجع بسیاری از نوجوانان و جوانان برای تعیین اهداف و ارزش‌های زندگی می‌شوند.

اتفاقاً پیچی هم در اینستاگرام وجود دارد به نام آدم حسابی‌ها که افراد فرهیخته جامعه را معرفی می‌کند می‌توانید بینید چقدر مخاطب کمتری نسبت به کسی دارد که از خردیدها و قلیان کشیدن هایش هر روز فیلم می‌گذارد. جامعه‌ای که ارزش‌های سالم و انسانی اش روز به روز افول کند، افرادی با نازلترين کيفيات انسانی تبديل به اسطوره هایش می‌شوند. اين جامعه دارد افراد برجسته و سالم خود را زنده به گور می‌کند و بیمار ترین ها را به اوچ می‌رساند، اين يعني فروپاشی اخلاقی جامعه!

حیات حرفه ای صدا و سیما

محمد رضا مهدوی اروانشناس بالینی

هر کس که یک نیم نگاهی به برنامه تلویزیون ایران داشته باشد، متوجه پایان حیات حرفه ای صدا و سیما می شود. چند قسمت از سریال های نوروز را در راستای حمایت از تولید ملی نگاه کردم. در سریال تعطیلات رویایی متوجه شدم که هیچ وقت نباید از این به بعد به یک سفر داخلی بروم، مخصوصا کیش؛ جزیره ای بدون حداقل امکانات و بدون امنیت! متأسفانه، تأثیر منفی که این سریال بر تصور مردم از سفر به کیش در اذهان گذاشت؛ بعید می دانم حالا حالاها از بین بروند. این در حالی هست که کیش از بهترین، زیبا ترین و امن ترین مکان هایی هست که در ایران وجود دارد. امکانات تفریحی، گردشی، مراکز اقامتی و مراکز خرید عالی کیش؛ به علاوه آرامش و تمیزی جزیره به همراه فرهنگ عالی رانندگی شهروندانش، من و خانواده ام را همیشه به این نقطه‌ی طلایی کشور کشانده و حتی قصد داشتیم محل سکونت دائم خودمان را به کیش منتقل کنیم که هنوز شرایط فراهم نشده است. در عوض، با دیدن سریال پایتخت متوجه شدیم که خیلی راحت تر و بدون درد سر می توانیم به ترکیه سفر کنیم؛ لذت ببریم و بسیار کم هزینه تر از سفرهای داخلی هم تمام خواهد شد. متأسفانه، این به دور از حقیقت نیست؛ ولی جایز التبلیغ هم نبود!

از این بخش که بگذریم می رسیم به قضیه ازدواج دو خواهر دوقلو ۱۴ ساله در این سریال! آقای محسن تنابنده - ببخشید آقای نقی معمولی - ترویج و تقویت این نگاه از جانب شما در این برنامه پر بیننده بعید بود.

ازدواج دختران در سن کم!
حالا درمورد سایر مسائل این سریال توان صحبت ندارم، اما یه لیست کوتاه را برای این متن از ذهن این نوشته عبور می دهم: تحقیر بزرگتر خانواده (بابا پنجلی)، شوخی هایی با محوریت سکس، تضعیف جایگاه همسر، ترویج بدینی و تعصب های نا بجا، ترویج تقلب و رانت بازی و احمق جلوه دادن ها؛ از اینها بگذریم.

سریال هیئت مدیره را پیشنهاد می کنم نگاه کنید. یک ساختمان بدون شوهر! گویا این تهیه کننده به شدت قصد صرفه جویی داشته است. در این سریال همسایه ها دزد، غیرقابل اعتماد، بی مسئولیت و مردانی که تک و توک حضور دارند اما ظاهرا از ناتوانی عقلی و حرکتی رنج می برند!

کلاه قرمزی هم امسال دلسرب کننده بود. شوخی های جنسی و لفافه گویی های سیاسی و غیراخلاقی مناسب برنامه کودک و نوجوان نیست؛ هر چند مخاطبین این برنامه بیشتر بزرگترها هستند.

زندگی کردن به مثابه‌ی دیده شدن سعیده کشاورزی

نسیم نجفی اقدم؛ دختری است که دو روز قبل بدلیل فیلتر شدن ویدئوهایش از سوی یوتیوب، حمله‌ای مسلحانه را به ساختمان یوتیوب ترتیب داد و بعد از زخمی کردن سه نفر در نهایت خودش را با یک تیر خلاص کرد. یک ماه در ماجرایی دیگر پسر و دختری برای بالا بردن فالوورهایشان در یوتیوب، مانور دیگری به راه انداختند. پسر در یک ویدئو کتابی قطور را جلوی سینه‌ی خودش می‌گیرد و از دوست دخترش می‌خواهد با گلت به سمت او شلیک کند تا همه ببینند که تیر از کتاب رد نمی‌شود. تیر البته رد شد، پسر در عرض چند ثانیه مُرد و دختر به جرم شلیک به او برای شش ماه زندان افتاد.

«چطور می‌توان به یک سلبریتی بدل شد؟» بنظر می‌رسد این پرسش به مسئله‌ای کاملاً جدی و پیچیده در جهان مدرن بدل شده باشد. در این جهان تازه مفهوم «زندگی» دچار نوعی اختلال معنایی شده و «زندگی کردن» به لحظات «دیده شدن» تغییر معنا داده است. پنهانه‌ی سابقاً وسیع «زندگی» در حال کوچک شدن و آب رفتن است.



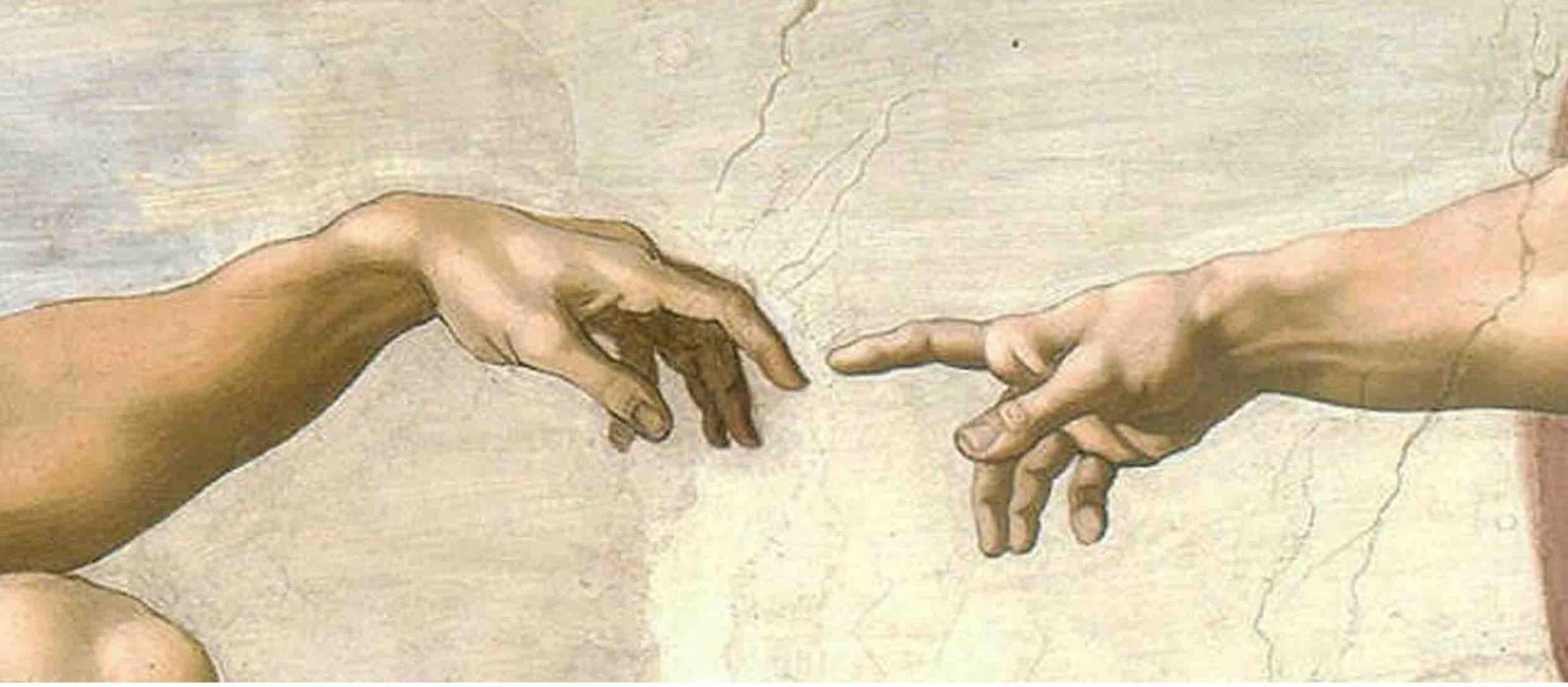
آیا حالا دیگر می‌توان لحظات تنها بودن و مطالعه در یک اتاق را جزو غیرقابل انکاری از «زندگی» و «تجربه‌ی زیستن» یک فرد به حساب آورد؟ پاسخ شهروند/کاربران جهان مدرن به وضوح این خواهد بود: اگر در «نهایی محض» خودتان به نوعی «قابل مشاهده» بوده باشید، مشغول «زندگی کردن» بوده‌اید. بله؛ واقعیت این است که مفهوم «زیستن» در حال محدود شدن به دقایقی است که همه در آن مشغول «تشان دادن» خودمان بوده‌ایم. لحظه‌ای که قابل مشاهده نباشد، وجود ندارد و با چنین پیش‌فرضی «سلبریتی» کسی است که بیش از هر کس دیگری مشغول زندگی کردن و تجربه‌ی زندگی است. او در مقایسه با سایر کاربران سهم بسیار بزرگ‌تری از «زندگی» را تجربه می‌کند، چرا که در تمام لحظات قابل «دیده شدن» است. آنچه که «نسیم نجفی» را به خودکشی کشانده، اما کوچک کردن سهم او از زندگی است. یوتیوب با فیلتر کردن ویدیوهای نسیم، امکان «زندگی» را از او گرفته و تلویحاً او را به «مرگ» دعوت کرده است. «نسیم نجفی اقدم» اما چکار کرده است؟ او برای زنده ماندن دست به اسلحه برده، در مبارزه‌ای نمادین با نهادی که عامل «ندیده شدن» و «فیلترینگ» او بود؛ او واقعاً مُرده بود!



دکتر فاطمه رجبی پور به همراه همسرشان دکتر پیروز بهرامی در کنگره سرطان پستان

۱۰ علامت هشدار دهنده و جود بیماری نقص اولیه ایمنی دکتر فاطمه رجبی پور، فوق تخصص خون و آنکولوژی | استاد دانشگاه تهران

- ۱- بروز هشت بار یا بیشتر عفونت گوش در طی یکسال.
- ۲- بروز دو بار یا بیشتر عفونت سینوس ها در طی یکسال.
- ۳- مصرف دو ماه یا بیشتر آنتی بیوتیک برای درمان عفونت بدون آنکه پاسخ درمانی مناسبی دیده شود.
- ۴- بروز دو بار یا بیشتر عفونت ریوی در طی یکسال.
- ۵- اختلال در رشد وزنی و یا نداشتن رشد طبیعی.
- ۶- بروز آبسه های مکرر عمیق در پوست و یا سایر اعضاء.
- ۷- برفک مقاوم به درمان در دهان یا محل های دیگر در پوست بعد از یکسالگی.
- ۸- سابقه تزریق آنتی بیوتیک به صورت تزریق وریدی برای درمان عفونت ها.
- ۹- بروز دو بار یا بیشتر عفونت های جدی مانند: منژیت، استئومیلیت و سپتی سمی.
- ۱۰- وجود یک فرد مبتلا به نقص اولیه ایمنی در خانواده.



در سال جدید جزو این جماعت نباشیم

نویسنده: احسان محمدی

گذشته گرایی با گذشته پرستی تفاوت دارد. «داشتم داشتم، حساب نیست، دارم دارم حسابه!» افتخار به گذشته و تاریخ باشکوه برای خوشبختی کفايت نمی کند. باید بپذیریم که روزگار خوبی را نمی گذرانیم، نگاهی به گله و شکایت های پیرامون مان بیندازیم، این همه زباله در خیابان و دریا و بیابان را شب ها که ما خواب هستیم ترامپ می آورد و می ریزد؟

این همه قتل و عام جاده ای نتیجه مداخله اسرائیل است؟ آن آقایی که دیروز در اتوبان پیش چشم من بطری شیشه ای دلستر را از ماشین بیرون پرت کرد و هزار تکه شد و نزدیک بود سرنشینان چند ماشین را به کشتن بدھد، داماد صدام بود؟ نخست وزیر انگلیس هر سال نوروز می آید و برای یک جوجه کباب و یک چای آتشی، هکتارها چنگل چند هزارساله را آتش می زند؟

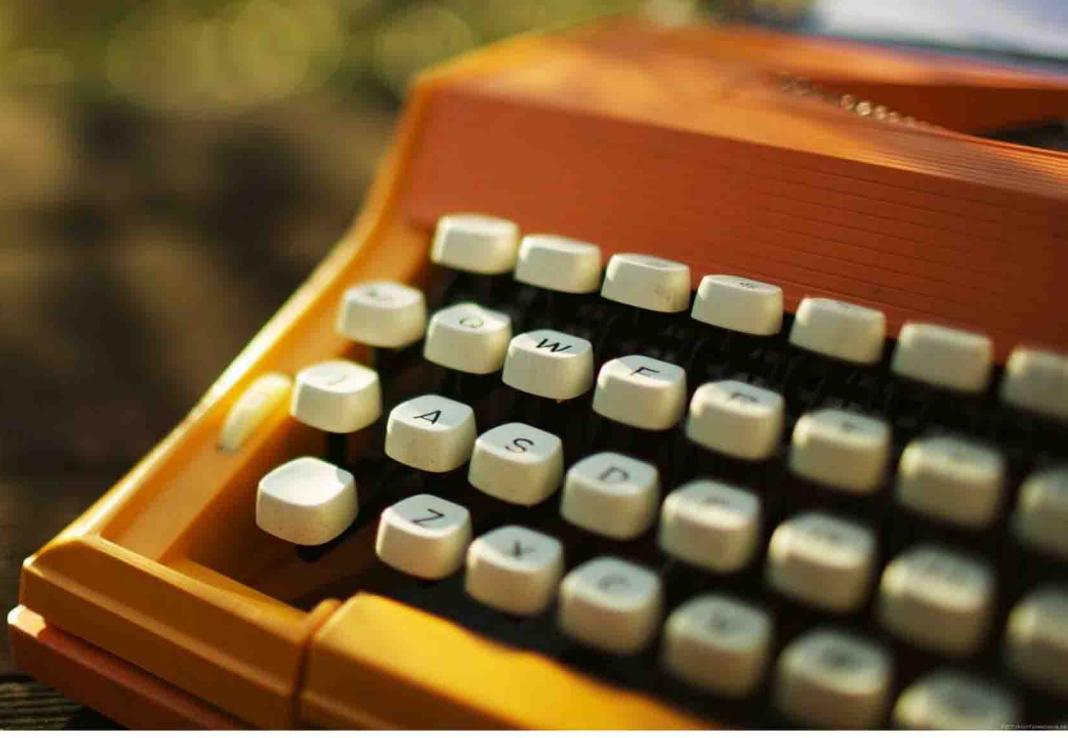
باور کنیم که باید تعارف و تحسین های اغراق آمیز را کنار بگذاریم و بپذیریم جماعتی در این کشور زندگی می کنند که در مقابل دانستن جانانه مقاومت می کنند، تلاش کنیم در این دسته قرار نگیریم. این نوشتار در بی خودزنی و سرقت اعتماد به نفس ملی نیست، بلکه یک یادآوری به خودمان است که باید دست از اغراق های معمول برداریم و با واقعیت های پیرامون مان مثل یک بیماری روی رو شویم. انکار کردن بیماری نتیجه ای به مراتب دردناک تر از درمان دارد. برای پیشرفت این سرزمین لازم است به مردم بهتری تبدیل شویم.

نادانی در ندانستن نیست، در مقاومت مقابل دانستن است. هر وقت و هرجا احساس کردیم به دانستن بیشتر نیاز نداریم یا در مقابل یک مطلب آموزنده و متفاوت مقاومت کردیم به نادانی لبخند زده ایم. در سال ۹۷ تمرين کنیم که یادمان نزود ما مردمی معمولی در دنیا هستیم. در هیچ کجا مسابقه ای برای انتخاب مهربان ترین و باهوش ترین و شجاع ترین مردم دنیا برگزار نشده که ما مдал طلای آن را به گردن خودمان انداخته ایم و برخی از ایرانیان حتی دنبال کشف شجره نامه «لیونل مسی»، «بیل گیتس» و «انشتین» هستند تا ثابت کنند که ایرانی هستند؛ مگر می شود این

همه خوب و موفق و درجه یک بود اما ایرانی نبود؟ برای پیشرفت باید توهمند ها و اغراق ها را کنار بگذاریم. ما مردمی هستیم مثل دیگر مردم دنیا، کمی بهتر، کمی بدتر. در برھه هایی فوق العاده ایم، در لحظه هایی نامید کننده. برای بهتر شدن باید این نکته را عمیقا باور کنیم. ما تاریخ چند هزارساله داریم این یعنی بهتریم!

یونان باستان به مراتب از ایران باستان روی تاریخ اثر عمیق تری گذاشت. سقراط، افلاطون، ارسطو، تالس، فیثاغورس، اقلیدس، بقراط و ... در فلسفه و سیاست و طب و هنر و ریاضی و ... شاهکار آفرینش بودند؛ اما یونان چند سال پیش به درجه ای از فلاکت رسید که برای بقاء حتی برخی پیشنهاد دادند قسمتی از خاکش را به کشور همسایه بفروشد!

مصر هم تمدنی شگفت انگیز دارد، اما این روزها گرفتار چند دستگی سیاسی، فساد اقتصادی و تنش های قومی شده است و اوضاعی رقت انگیز را بعد از یک انقلاب تجربه می کند.



آموزش مؤثر

نویسنده: مهدی امیراحمدی

آنها اذعان نمودند که زمان خوبی برای مشاهده ویدیوهای کلاس‌ها می‌گذارند. آنها حتی می‌توانید زمانی را برای تماشای ویدیوهای کلاس خود اختصاص دهند.

سرانجام، ما نمی‌توانیم بدون تمرین، معلمی مؤثر و کارآمد باشیم. ما نیاز داریم زمانی را برای «انجام دادن» بگذرانیم. با مقرر کردن تمرینات آموزشی، ما درباره‌ی آن یاد خواهیم گرفت. فقط یک فرد جوان نیاز ندارد تا فعالیت‌هایی را انجام دهد تا واقعاً درباره‌ی آن‌ها یاد بگیرد، شما هم نیاز دارید تا زمانی را برای تمرین تعاملات در نظر بگیرید.

آخرین موردی که باعث می‌شود یک معلم، معلمی مؤثر باشد، اختصاص زمانی از تمرین به «انعکاس و بازخورد» است. در این مورد فکر می‌کنیم گاهی باید یک نگاه واقعی به آموزش، روش و نوع تعامل شان از طریق ذره بین بیاندازند. آنها به زمانی نیاز دارند تا انعکاس و بازخورد درونی از فعالیت‌ها، روابط و آموزش داشته باشند. توجه به این فرآیند می‌تواند مؤلفه‌های مدیریت کلاس درس از قبیل: انضباط اثربخش، آمادگی برای شروع درس و برانگیختن فراگیران، تأمین محیط امن و راحت برای یادگیری، خلاقیت و ابتکار در ارائه و یادگیری دروس و ایجاد عزت نفس در دانش آموزان را فراهم آورد.

شما به عنوان یک معلم، به چه چیزی نیاز دارید تا یک معلم مؤثر واقعی در فرآیند تدریس برای کودک یا نوجوان باشید؟ در پاسخ باید گفت که چهار نیاز آموزشی در فرآیند یاددهی و یادگیری باید مورد نظر قرار گیرد تا بتوان با طی فرآیندی، انتظار آموزش کارآمد و مؤثر را داشت که عبارتند از: دانش، مشاهده، عمل و بازخورد.

معلمان به دانش‌های متعددی نیاز دارند. دانش درباره‌ی رشد بچه‌ها، محتوایی که آموزش می‌دهند، تمرینات آموزشی مؤثر، نیازها و توانایی‌های فراغیر در کلاس و دانش هایی درباره خودشان. در این نوشته، دانش مربوط به شیوه تعاملات کلاسی است که یادگیری و رشد را تشویق می‌کنند.

قسمتی از آموزش مؤثر، مشاهده است. همه دانش‌های جهان درباره آموزش مؤثر، فقط یک قطعه از پازل اند. معلمان خوب، نیاز دارند ببینند که در کلاس‌های متنوع و مختلف، با وجود تنوع بسیار دانش‌آموزان، تدریس مؤثر چگونه انجام گیرد؟ معلمانی که می‌گویند فرصت نداشته اند تا نحوه آموزش معلمان دیگر را ببینند، گزارش می‌کنند که چگونه این تجربیات می‌توانند با مشاهده فیلم می‌تواند مؤثر باشند.

انقلابی جدید در درمان

دکتر فانک فهیمی، استاد گروه فارماکوتراپی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چندی قبل نخستین داروی ژن تراپی که مستقیماً تجویز می شود، توسط FDA مصوب گردید. این سوسپانسیون داخل چشمی با نام تجاری «لوکستورنا» برای درمان یک بیماری نادر ژنتیکی چشم که بدلیل موتاسیون ژنی ایجاد شده است، مصرف می شود. این رخداد نقطه‌ای عطفی در تاریخ پزشکی محسوب می شود. این دارو حامل ژن ویروس می باشد. تزریق به صورت تحت شبکیه (ساب رتینال) انجام می گیرد. قیمت یک ویال، تک دوز برای یک چشم ۸۵۰۰۰ دلار، یعنی با ترخ روز بیش از ۴ میلیارد تومان می باشد.

مردان کم خونی را جدی بگیرند

دکتر پیام آزاده متخصص رادیوتراپی انکولوژی
دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهریبد بهشتی

سرطان روده بزرگ (کولون) چهارمین سرطان شایع در مردان ایرانی است. مراحل اولیه این سرطان با علائمی از جمله: کم خونی و خستگی همراه است که با دانستن آنها می توان این بیماری را شکست داد. عموماً علائم سرطان روده بزرگ در مردان دیرتر ظاهر می شود.

عوامل خطر عبارتند از: سابقه خانوادگی، ابتلاء به پولیپ، رژیم غذایی کم فیبر، چاقی و اضافه وزن، کم تحرکی، دیابت، سیگار و مصرف چربی.

نشانه های سرطان روده بزرگ عبارتند از: وجود خون در مدفوع، تغییر در اجابت مزاج، خستگی بیش از حد، کم خونی بی دلیل (کم خونی یکی از مهمترین دلایل خستگی است، ولی این امر در مردان نسبتاً غیرمعمول است؛ پس در صورت کم خونی و خستگی مداوم مراجعه به پزشک ضروری است)، کاهش وزن سریع و بی دلیل، انسداد روده، علاوه بر موارد مذکور، اسهال، یبوست، بی اختیاری مدفوع، کاهش حجم مدفوع، عدم احساس تخلیه کامل، تیرگی مدفوع، ایجاد نفح مداوم، ضعف، کاهش اشتها، تنگی نفس، حالت تهوع، استفراغ، عفونت های ادراری مداوم، افزایش سایز کبد، زرد شدن یوست، تورم غدد لنفاوی و درد شکم، باسن یا پا علائمی هستند که باید جدی گرفته شوند.

ممانت از پیشافت

دکتر مهدیه آبیار قمصری، بورد فارماکوتراپی (داروسازی بالینی)
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

پیسی

بیماری «پیسی» یا «ویتیلیگو» یک بیماری مزمن، عود کننده با دوره غیر قبل پیش بینی است که درمان کامل نداشته و درمان های موجود فقط می تواند پیشرفت بیماری را متوقف کرده یا به درجات مختلف موجب «پیگماناتاسیون: مجدد شود. درمان با «کورتیکواستروئید خوارکی» در بیماران با پیش روی سریع بیماری برای تثبیت بیماری اندیکاسیون دارد. دوز توصیه شده پردنیزولون ۵ تا ۱۰ میلی گرم در روز برای اطفال و ۱۰ تا ۲۰ میلی گرم در روز برای بالغین به مدت دو هفته است که در صورت نیاز می تواند ۴ تا ۶ هفته بعد تکرار شود. البته، دوزهای مختلفی برای بیماران در مطالعات بالینی بررسی شده است.

بهبود کیفیت خواب با مکمل ها و مواد غذایی

دکتر آیدا سفیدانی فروغ، دانشجوی پی اچ دی کلینیکال
فارماسی و عضو هیئت آکادمیک دانشکده سلامت، دانشگاه
تکنولوژی کوئینزلند، استرالیا

کلسیم با کمک به برداشت و مصرف تریپتوفان توسط مغز، ساخت ملاتونین را تسهیل می کند. ملاتونین ترکیب القاء کننده خواب می باشد. شیر حاوی هر دو این مواد (تریپتوفان و کلسیم) می باشد. علاوه بر این، مصرف شیر با میزان ملاتونین و کلسیم بالا هنگام شب باعث بهبود خواب در مطالعات حیوانی شده است. مواد غذایی که خواب را در انسان بهبود می بخشنده عبارتند از: غذاهای فراسودمند، شامل: پودر علف جو، غلات کامل، گیاه جینسینگ، گیاه ماکا (جینسینگ پرووی)، یک نوع قارچ چینی (قارچ لینگزی)، پودر مارچوبه، کاهو، گیلاس، کیوی، گردو و شیر. شایان ذکر است که پودر علف جو با میزان GABA، کلسیم و پتاسیم بالاتر ایده آل ترین غذای فراسودمند برای بهبود خواب می باشد.

به آلودگی پلاستیک پایان دهید

۲۲ آوریل؛ روز زمین است.

شعار امسال این روز "به آلودگی پلاستیک پایان دهید" می باشد.

بیشتر کیسه های پلاستیکی برای تجزیه کامل به ۱۰۰۰ سال زمان نیاز دارند و عمر آنها بیش از ۱۰ برابر عمر انسان است، بیائید برای حمایت از زمین از کیسه های سازگار با محیط استفاده کنیم.

مزایای استفاده از کیسه های سازگار با محیط زیست، عبارتند از:

- ۱- کیسه های سازگار با محیط زیست ۴۶ درصد کمتر از کیسه های پلاستیکی ترکیبات پایه نفتی و رزینی دارند.
- ۲- کیسه های سازگار با محیط زیست در مراحل پیش از تولید ۳۴ درصد کمتر از کیسه های پلاستیکی گازهای گلخانه ای تولید می کنند.
- ۳- در فرآیند تولید کیسه های سازگار با محیط زیست چهار برابر انرژی کمتر و شش برابر آب کمتر نسبت به تولید کیسه های کاغذی مصرف می کنند.
- ۴- کیسه های سازگار با محیط زیست در صورت دور انداخته شدن در محیط غیرسمی ظرف مدت ۲۴۰ روز یا حتی کمتر در معرض تابش نور خورشید تجزیه می شوند.

معایب کیسه های پلاستیکی، عبارتند از:

کیسه های یکبار مصرف اعم از: پلاستیکی و کاغذی، خطرات بسیاری را برای محیط زیست به همراه دارند که این خطرات تنها محدود به حجم بالای دفن این زباله ها در خاک نبوده، بلکه شامل منابع اولیه در تولید آنها، جابه جایی و به ویژه، بازیافت و پیامدهای ناشی از انجام طی این مراحل می شود.

همچنان، آمار نشان می دهد که سالانه بیش از چهار میلیارد کیسه پلاستیکی به عنوان زباله در طبیعت رها می شوند که اگر این تعداد کیسه های پلاستیکی به هم وصل شوند، این نوار طویل می تواند ۶۳ مرتبه دور زمین بپیچید. همینطور سالانه یک میلیارد پرنده و پستاندار به دلیل خوردن این کیسه های پلاستیکی جان می بازند. اگرچه کیسه های پلاستیکی قابل بازیافت و استفاده مجدد هستند، اما مطالعات نشان می دهند که تنها یک تا سه درصد از این کیسه ها بازیافت می شوند. وقتی کیسه های پلاستیکی در معرض نور آفتاب قرار می گیرند، پلاستیک موجود در آنها هرگز از بین نرفته و ذرات سمی آزاد شده از آنها وارد زنجیره غذایی می شو.



سیما رئیسی دختر نایبینای بلوچ و فعال اجتماعی، در حرکتی نمادین زباله هایی که توسط افراد بینا در ساحل درک چابهار ریخته شده بود را جمع کرد.

عضوگیری فرقه‌ها

تحکیم ایمان اعضای جدید به ایدئولوژی گروه و متقادع کردن آنان به اینکه یک دیدار یا یک اتفاق ساده واقعه ای از پیش تعیین شده در سرنوشت‌شان بوده است، استفاده می‌کنند. به عنوان مثال برادر یک زن که در خارج از شهر زندگی می‌کرد، به خانه‌ی فرقه آمد تا با خواهرش دیدار کند که در آن زمان شیفت کاری آن زن بود و به همین دلیل نتوانستند یکدیگر را ببینند. مسئولان فرقه به وی گفتند: "مشیت الهی بر این تعلق گرفته است که تو باید برادرت را ببینی."

گاهی در پرسه جذب، اعضای جدید در وضعیت خلسه خفیف قرار داده می‌شوند و هیپنوتیزم می‌شوند. در این حالت فردی پیشنهادهای ساده ای را به نرمی برای عضو جدید تکرار می‌کند. بتدریج افکار تازه واردان محدود می‌شود. همچنین، ابراز افکار انتقادی و منفی در مورد فرقه ممنوع است. عضو فرقه در نتیجه آموزش‌ها و تعلیمات فرقه که بتدریج به اعضاء القاء شده است، یاد می‌گیرند که هر زمان با ارزیابی انتقادآمیز در خصوص فرقه رو به رو شدند، واکنشی تند و هیجانی نشان دهند. آنان بعدها در وضعیت قرار می‌گیرند که خودشان از هر گونه تفکرات انتقادی، خصوصاً در مورد فرقه اجتناب کنند، زیرا که انجام چنین کاری توأم با هیجان و همراه با احساس گناه در آنها خواهد بود. آنان کم کم به این باور می‌رسند که اگر فرقه را ترک کنند، تمامی اسلاف و اخلاقشان ملعون خواهند شد و یا خودشان در بدبختی خواهند مرد و روحشان سرگردان می‌شود که این باور به فرد احساس گناه توأم با شرمساری می‌دهد.

برخی مردم در خصوص عضوگیری فرقه‌ها فکر می‌کنند که فرد عضوگیر فردی رجخوان، دریده و متعصب است. این تصور از روند عضوگیری واقعی که فوق العاده پیچیده است، بسیار فاصله دارد. رابطان عضوگیری با لفاظی فربیکارانه، جذبه، سوءاستفاده روانی، و حقه بازی افراد را به سمت خود جلب کرده و سپس تعهدات زیادی بر دوش آنان قرار می‌دهند. «سرکرده»، در این روند نقش مؤثری دارد. بسیاری از کسانی که در فرقه‌ها عضو شده‌اند، آگاهی اندکی نسبت به آنچه در پایان بر سرشان خواهد آمد، دارند. برای یک عضو جدید بندرت پیش می‌آید که قبل از تصمیم گرفتن برای پیوستن به فرقه، از محتوای فرقه آگاهی کامل کسب کند. اعضای جدید گام به گام در فعالیت‌های فرقه‌ای غرق می‌شوند. رابطه آنها با گذشته اشان قطع شده و آنچنان تغییر داده می‌شود که خودشان هم متوجه نمی‌شوند. فرقه‌ها روابط تمامی اعضاء را کنترل می‌کنند. اعضای جدید به منظور اجتناب از ایجاد هرگونه مشکل و نارضایتی، خود را با این روال منطبق می‌کنند.

اعمال نفوذ بر فکر و احساس افراد، در موقیت عمل عضوگیری در یک فرقه نقش محوری دارد. فرقه‌ها با احساس دوگانه ای که در افراد به صورت نرمال وجود دارد، بازی می‌کنند. این کار به طور خاص در مورد افراد جوان که تجربه‌ی زندگی کمتری دارند، موقیت آمیز عمل می‌کند. برخی فرقه‌ها از لباس مخصوص یا هر نمود خارجی دیگر به عنوان نشانه ای قابل رؤیت در تغییر دادن تازه واردان استفاده کنند. گروه‌ها از برخی اتفاقات به عنوان نشانه‌های الهی، در جهت

سیب‌زدی در تاریخ

دکتر آذر اندامی اولین تولیدکننده واکسن وبا در ایران
به قلم دکتر حمیدرضا مسعودیان

دربافت دانشنامه تخصصی علوم آزمایشگاهی بالینی شد. او در سال ۱۳۵۷ بازنشسته شد.

دکتر اندامی، چندین بار به کشورهای فرانسه و بلژیک سفر کرد و حاصل این سفرها مقالات علمی بود که در مجلات معتبر به چاپ رسید. پس از بازنیستگی چون خانه نشینی را نمی‌پسندید به بیمارستان باهر رفت و ریاست آزمایشگاه تشخیص طبی آنجا را بر عهده گرفت. پس از مدتی در مطب همسرش، دکتر خلعتبری، در خیابان حسام السلطنه به کار مداوای بیماری‌های زنان و زایمان مشغول شد. در همین سالها بود که به تومور مغزی مبتلا شد. یک روز در مطب در حین معاینه بیمار، تعادل خود را از دست داد و سقوط کرد. وی در ۲۸ مرداد سال ۱۳۶۳ به علت آمبولی ریه که از عواقب بیماری سختیش بود، درگذشت.

در سال ۱۹۹۲، اتحادیه بین‌المللی ستاره‌شناسی (IAU) حفره‌ای به قطر ۳۰ کیلومتر در جنوب سیاره زهره به نام اندامی نامگذاری کرد. آذر اندامی، تنها زن ایرانی بود که نامش به این شورا فرستاده شد و بانی این کار دخترش بود. شهرداری شهر رشت (محل تولد آذر اندامی) برای بزرگداشت وی، بلواری را در شهرک گلسار بنام ایشان نموده است. نام و یادش گرامی باد.

دکتر آذر اندامی (۱۳۰۵ - ۱۳۶۳) پزشک و باکتری‌شناس ایرانی، اولین تولیدکننده واکسن وبا در ایران و از پژوهشگران انسستیتو پاستور ایران بود. آذر اندامی در سال ۱۳۰۵ در محله‌ی ساغری سازان رشت متولد شد. او فرزند چهارم و تنها دختر خانواده بود. مقطع ابتدایی را در دبستان بانوان رشت با یک سال جهش تحصیلی به پایان برد. بعد از اخذ مدرک سال نهم تحصیلات عمومی از دبیرستان فروغ (۱۷ شهریور) رشت، پدرش با اینکه فردی روشنفکر بود از ادامه تحصیل او ممانعت کرد و وی را به دانشسرای مقدماتی رشت فرستاد. وی در سال ۱۳۲۴ از دانشسرا فارغ التحصیل شد؛ و در سال ۱۳۲۵ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و معلم شد. در سال ۱۳۲۹ و در حین کار دیپلم طبیعی را با امتحان متفرقه دریافت کرد. در سال ۱۳۳۱ با شرکت در کنکور دانشگاه تهران در رشته پزشکی این دانشگاه پذیرفته شد. در سال ۱۳۳۷ موفق به دریافت گواهینامه دکترای پزشکی گردید و بلاfaciale به گذراندن دوره تخصصی زنان و زایمان مشغول شد. پس از پایان دوره تخصصی به وزارت بهداری آن زمان منتقل شد و در نهایت به کار در انسستیتو پاستور پرداخت.

دکتر اندامی، پس از مدتی با استفاده از بورس تحصیلی انسستیتو پاستور به پاریس رفت و در سال ۱۳۴۶ موفق به اخذ گواهینامه باکتریولوژی گردید و در سال ۱۳۵۳ نیز موفق به



تای چی روشی برای زندگی

به قلم استاد شکوفه دیوانی، مادر تای چی ایران

تای چی چوan، یک هنر رزمی سبک و سنتی چینی است که امروزه در تمامی دنیا بین جوانان و سالمندان مورد اقبال قرار گرفته است. تای چی، روشی است برای زندگی که چینیان به مدت هزاران سال از آن پیروی کرده اند. بر خلاف تمدن غرب که جسم و ذهن را از یکدیگر جدا کرده اند، چینیان هزاران سال پیش **غایت** انسان را در جسم و ذهن جستجو کرده اند. آنان ذهن **بشر** را دارای ابعاد بیشماری می دانستند، ولی برای دامنه فعالیت های انسان محدودیت قائل بودند. تا چی، توانایی های جسمی بالقوه انسان را از ظرفیتی که تصور می کند بسی «فراتر» می داند. در این هنر رزمی، به جای عضلات، تأکید بر پرورش ذهن است، زیرا ذهن را می توان فراسوی محدودیت زمان و مکان تا بی نهایت گسترش داد. براساس تاریخچه تشکیل این ورزش و ورود آن به کشور عزیzman، ایران، همچنین با توجه به خلا حضور تحقیقات آکادمیک در زمینه کاربرد و اثربخشی این رشته ورزشی در سلامتی و تندرستی افراد، به نظر میرسد اتخاذ سیاست های حمایتی از این ورزش، چه در جهت تقویت مطالعات و ایجاد بسترهاي مطالعاتي در اين زمينه، و چه در جهت حمایت از پرورش و استعدادها و شناساندن اين ورزش به مردم، امری ضروري باشد.



فعالیتی است که برای جلوگیری از بیماریهای قلبی پیشنهاد می شود. این ورزش همچنین، ظرفیت کارآیی و کیفیت سلامت در زندگی نجات یافتنگان سلطان سینه را بهبود می بخشد. نتایج بررسی اکثریت غالب بررسی ها نشان داده اند که تای چی چوان از نظر روانی در کیفیت زندگی تای چی کاران فواید زیادی چون آرامش احساسی، ادراک خویشتن و آرامش جسمی دارد. در کل آنچه تای چی را هر روز بیشتر از دیروز در جهان محبوب کرده است، فواید بیشمار سلامت بخشی آن است. تمرینات تای چی هم به صورت گروهی و هم انفرادی قابل تمرین هستند. تای چی را می توان هرجایی تمرین کرد و نیاز به هیچ تجهیزاتی ندارد و تمرین آن ارزان است و همین توانایی تطبیق و سازگاری آن را برای همه مناسب کرده است. اهمیت این ورزش در بهبود سبک زندگی و سلامت بخشی نسل آینده بیش از پیش اهمیت دارد.

تای چی چوان، یک فعالیت فیزیکی در شکل حرکات موزون است که خاستگاه آن کشور چین می باشد و همچنین یک ورزش بی همتاست که چند صد سال در چین، ژاپن، کره و سایر کشورهای آسیایی در بین جمعیت جوان و سالمند رواج داشته است. همچنین یک ورزش سنتی شرقی، سبک و بدون نیاز به وسیله است که اثر سلامت بخشی آن مورد باور بسیاری از مردم دنیاست. تای چی چوان، بر توازن جسم و ذهن تأکید دارد و در سبک های مختلفی، از جمله: چن، یانگ، وو و سون اجرا می شود. تای چی چوان، در یک وضعیت نیمه چمباتمه با یک سری از حرکات پیوسته، تعادلات، و انهادگی ها و تنفس های عمیق آهسته انجام می شود. علیرغم حرکات آهسته این ورزش، آن را فرمی سخت و معتمد از ورزش های هوایی می دانند، زیرا بیش از ۵۵ درصد از حداکثر اکسیژن جذب شده را نیاز ندارد، اما معادل شدت



کسب مدال طلا توسط شکوفه دیوانی در مسابقات جهانی تای چی جوان هنگ کنگ، چین - سال ۲۰۰۹

Gold Medals by Shokofeh Divani in world championship competition of Tai chi Chuan Hong Kong, China - 2009



دھه شخصیتی های وفادار

قسمت اول

نویسنده: بانو صدیقه انجمن شاعر

در این چند سالی که شهدای مدافع حرم هر از چند گاه، کبوتر می شوند و خونین بال، آسمان شهرها را به حضور خودشان زینت می دهند، خیلی ها مثل ما که خانواده‌ی رزمنده‌ی دفاع مقدس بوده ایم و خود بچه‌های رزمنده، حال و هوای عجیب در خودشان احساس می کنند که فقط با کشیدن یک آه بلند می شود بروزش داد. آه ... یاد باد آن روزگاران یاد باد!

و عده داشتیم برای دیدار با خانواده شهید مدافع حرم. انگار می رفتیم به سمت روزهای جوانی خودمان. من و دو تا از خواهراهای همسر رزمنده دفاع مقدس که یکی شان افتخار همسر شهید را دارد.

جوانی مان در جنگ گذشت؛ ازدواج، بچه دار شدن، راه و رسم زندگی، همسرداری، سبک زندگی، قناعت، اقتصاد مقاومتی، اطاعت پذیری، صبر و شکر و ... همه را با هم در همان دوران جوانی و در شریکی جنگ با سفره نان و زندگی مان یاد گرفتیم و مشق کردیم و تجربه ...

خیابان شهید مطهری، در یک مجتمع مسکونی، زنگ واحد شانزده را می زنیم و با راهنمایی همسر شهید وارد خانه اشان در طبقه سوم می شویم. خانه ای کوچک و ساده و پر از یاد و خاطره‌ی شهید که این روزها با عکس هایش بر دیوارهای خانه، حضورش رنگ و بوی الهی دارد. پسر کوچک شهید در گهواره آرام خوابیده و چهره‌ی نازش، گواهی می دهد که شبیه ببابایش شده، ان شاء الله پیرو راه بابا...

به همسر شهید، شهادت رزمنده مدافع حرم را تبریک و تسلیت می گوییم و از ایشان می خواهم درباره خودشان بگوید؛ از اول اول ...

- اعظم السادات میرتاج الدینی هستم همسر شهید مدافع حرم «غلامرضا لنگری زاده».

- هر دو متولد سال ۶۵.

این روزها درباره دهه‌ی شصتی‌ها زیاد حرف و حدیث می گویند. از خانم میرتاج الدینی درباره معیارهای خودش و همسرش درباره ازدواج می پرسم.

- معیارم برای انتخاب همسر، مهمترینش هیئتی باشد، خودم هم هیئتی بودم. نمازخوان باشد، خوش اخلاق باشد که غلامرضا بسیار خوش اخلاق بود، عکس هایش را که دیده اید همه اش خنده بر لب است. غلامرضا خودش بهم گفت از خدا خواسته همسرش از سادات باشد و محجبه یعنی چادری. تازه من دوست داشتم مردی شریک زندگی ام باشد که بهم بگوید حتماً چادر بپوش. غلامرضا پایه گذار و عضو هیئت امام علی علیه السلام پانصد دستگاه بود. خودش می گفت از نوجوانی

بیشتر وقتی را در هیئت‌ها می گذرانده. غلامرضا تعویض روغنی داشت؛ کنار مغازه تعویض روغنی دایی ام. با هم همسایه بودند، دایی ما را به هم معرفی کرد و تمام و کمال هم او را تأیید می کرد. سال‌ها او را می شناخت. وقتی آمدند خواستگاری، به دلم نشست. خیلی از معیارهایم را داشت. یک تحقیق کوچکی هم کردیم؛ همه از مردم داری و اخلاق خوبش می گفتند. حالا هشت سال از ازدواج مان می گذرد. یک دختر شش ساله به نام مونس و یک پسر چهار ماهه به نام محمودرضا داریم که یادگاران شهید هستند.

از خانم تاج الدینی می پرسم: غلامرضا از کی صحبت درباره جنگ و رفتمن به سوریه را شروع کرد؟

- با توجه به اینکه همیشه کشور ما از سوی دشمنان تهدید به اقدامات نظامی می شود، غلامرضا همان اول های ازدواج یک بار از من پرسید اگر خدای ناکرده در کشورمان جنگ بشود، تو اجازه می دهی من هم بروم؟ من هیچ وقت جدی به این موضوع نگاه نمی کردم، می گفتم هر چی خدا بخواهد. آدم باید توی موقعیتش قرار بگیرد تا بتواند تصمیم درستی بگیرد. به خودمان فکر کردم؛ ازدواج اکثر خانواده های رزمنده های دفاع مقدس در دوران پر حادثه جنگ بود و یکی از شرایط ازدواج، حضور در جبهه. خانم ها هم می خواستند سهمی در اجر رزمندگی در جبهه داشته باشند، ازدواج با رزمنده می توانست آن ها را به این آرمان متعالی برساند.

- وقتی خطر داعش در منطقه بالا گرفت و حرم حضرت زینب علیها السلام تهدید شد، غلامرضا به طور جدی درباره رفتیش و دفاع از حرم با من صحبت می کرد. غلامرضا می گفت: ما باید برویم تا جنگ به مرزهای کشور خودمان کشیده نشود. او عقیده داشت تمام این نقشه ها در کشورهای همسایه و همراه ایران برای این است که آمریکا و اسرائیل دشمنی و بغض و کینه شان علیه انقلاب ما را به سرانجام برسانند.

من درباره حرف های غلامرضا فکر می کردم، ولی جدا شدن از او برایم سخت بود. غلامرضا دو سال تمام تلاش کرد تا به هدفش برسد و آخر هم پیروز این راه شد.

از تلاش هایش بگویید. چه کار می کرد؟

- غلامرضا هم به آموزش های نظامی روی آورد و هم روی اخلاق و رفتارش کار می کرد، هم می خواست من و مادرشان از ته دل راضی به رفتیش بشویم. پدر غلامرضا از دنیا رفته بودند و مادر و خواهرانش تنها بودند. برادر جوانشان هم دو سال پیش در سانحه ای جانش را از دست داده بود، خانواده هنوز در داغ فرزندش می سوتخت؛ رفتمن غلامرضا بری مادرشان خیلی سخت بود. غلامرضا می گفت تا شما راضی نشوید نمی روم. می رفت آموزش. وزنش کمی زیاد بود. خیلی ورزش می کرد تا وزنش به تناسب برسد. ما باهش می رفتیم جنگل قائم. آنجا تمرين می کرد، می دوید و من و دخترش تماشایش می کردیم. از خوابش می زد. نمازهایش را اول وقت می خواند. هیئت هم که از برنامه‌ی زندگی اش حذف نمی شد؛ مخصوصاً ایام محرم و ایامه فاطمیه.

یک بار با گردان فاطمیون می خواست برود سوریه. تا تهران هم رفت، اما آنجا متوجه شدن و برش گردانند.

یک روز گفت یک نفر بهم گفته اگر می خواهی بروی سوریه، مادر و همسرت را بفرست کربلا. همین کار را کرد. ما رفتیم کربلا. من باردار بودم. فکر کنم مرداد بود. کنار ضریح اباعبداص.. علیه السلام برایش خیلی دعا کردم. گفتم: خدایا اگر رفتن غلامرضا به سوریه به نفع اسلام است، اگر او می تواند به اهل بیت علیه السلام و خانم حضرت زینب (س) خدمت کند، خدایا خودت کمکش کن. از کربلا که آمدیم، زیاد طول نکشید. کارش جور شد و صدایش زندن برای رفتن به سوریه. شهربور.

از خدا می خواستم سالم برود و سالم برگردد، وقتی پیکرش را آوردند به جز زخم همه جای بدنش سالم بود. داعشی ها نتوانسته بودند بهش آسیب برسانند.

یک روز قبلش زنگ زدند گفتند اگر می خواهی بیایی سوریه، فردا تهران باش. برای خدا حافظی رفت پیش مادرش. حاج خانم تازه چشم هایش را عمل کرده بود، نگفت صبح عازم. معمولی خدا حافظی کرد. با دخترم تا ترمینال بدرقه اش کردیم. هشت ماهه باردار بودم. خوشحال بود خیلی. می گفت دعا کن جا نمانم. سبک و عاشق رفت و یاد و عشقش در قلب خانواده اش جا ماند. خانم تاج الدینی با یاد خاطرات ناب همسفر زندگی اش، بعض کرد و اشک هایش سرازیر شد. ما هم همراهی اش کردیم. جدایی خیلی سخت است. رفتن و خدا حافظی خیلی سخت است. خودمان بارها و بارها آن را تجربه کرده بودیم؛ آن سال هایی که رفتن رزمنده های دفاع مقدس به خودشان بود و آمدنشان با خدا. تازه آن وقت ها تلفن همراه و اخبار رسانی سریع که نبود بماند، تا از رسیدن و سلامتی مسافرهای جبهه خبری می شد، دو هفته ای طول می کشید. اکثر بچه ها در منزل تلفن نداشتند و می بایست منتظر نامه باشند که آن هم تا می آمد، مدتی طول می کشید. بعضی خانواده های رزمنده ها در روستاهای و مناطق دور زندگی می کردند، بعد از روز خدا حافظی با عزیزانشان، چند ماه بعد یا خودشان می آمدند یا خبر شهادت را برایشان می آورند.

چطور با هم در تماس بودید؟

- مرتب به ما زنگ می زد، هم شب هم روز، احوالمان را می پرسید. حال مادرشان را می پرسید. با دخترمان صحبت می کرد. اگر قرار بود جایی برود که امکان تماس برایش نبود، بهم می گفت و به محض برگشتن تماس می گرفت. برای همین وقتی چهارشنبه آخری زنگ زد و شب پنج شنبه زنگ نزد، نگران شدم. همه می خاطراتش از پیش رویم و از ذهنم رد شدن، حتم داشتم اتفاقی افتاده که افتاده بود.

برگشتم سمت خواهرهای همراهم. چشمانشان خیس اشک بود. همسر شهید طالبی زاده گفت: وقتی صبح همسرم رفت مأموریت، سینه ام سنگین شد. انگار تمام غصه های عالم نشست روی دلم. از خانه زدم بیرون، توی خیابان چشم

خورد به پلاکاردی که رویش نوشته شده بود: دومین شهید خانواده. دلم لرزید، نکند علی آقا شهید بشود و بشود دومین شهید خانواده. برادرشان محمد رضا کربلایی چهار شهید شده بود، پیکرش را بعدها با غواص های دست بسته آورده.

همسر شهید مدافعت حرم، فضا را عوض کرد: غلامرضا قرار بود برگردد ایران. تا دمشق هم آمده بود. ولی دوباره درخواستش کرده بودند و برگشته بود.

یک روز زنگ زد گفت: کارهای پاسپورت بچه ها را بکن، باید شما بیایید سوریه. منتظر باشید خبر می دهم. پسرمان به دنیا آمده بود؛ سوم آبان، اسمش را هم بباش انتخاب کرده بود؛ محمود رضا. محمود رضا بیاضایی صمیمی ترین دوست غلامرضا در جبهه سوریه بود که شهید شده بود. اسم او را گذاشت روی پسرش. می بایست برای مونس و محمد رضا پاسپورت بگیرم. بار دوم دیر وقت شبی تماس گرفت و درباره تاریخ سفر ما توضیح داد. بعدش هم گفت: شما می آید سوریه بعد من شهید می شوم. حرفش را شنیدم ولی خوشحالی ام از سفر به سوریه در درونم به نگرانی تبدیل شد. گفتم: نگرانم کردی، ما نمی خواهیم بیاییم، باز هم صبر می کنیم شما بیا.

پشیمان شدم. نمی خواستم بروم. ظاهرش شیرین بود ولی با حرف غلامرضا، قلبم گواهی می داد که آخر این سفر تلح است. غلامرضا داشت قدم به قدم به شهادت نزدیک می شد. او هر بار یکی از علامت های رفتنش برای من می گفت. چند وقت قبلش هم یک بار که تماس گرفته بود، خیلی خوشحال بود. کار بزرگی توی یک عملیات انجام داده بود. فرمانده ضدرزه بود. با اینکه بسیحی بود، اما قدرت نظامی اش بالا بود. سردار حاج قاسم تشویقش کرده بود و یک انگشت را به ایشان هدیه داده بود، می گفت: اعظم، باورت می شود حاج قاسم به هر کدام از بچه ها انگشت بدده او شهید می شود، نمی دانستم خوشحال باشم از خوشحالی اش یا ناراحت باشم از رفتن نزدیکش. نمی دانستم به او تبریک بگوییم یا ازش گله کنم که چرا از آن راه دور مرا با این صحبت هایش ناراحت می کند. او ذره ذره مرا هم آمده می کرد. هر روز بیشتر از روز قبل در خودم نشانه های بالندگی و صبر و استقامت را احساس می کردم. به صبر بیشتر از همیشه نیاز داشتم. فکر می کنم یکی از دعا های نیمه شب غلامرضا طلب صبر برای من و خانواده اش بوده، الان استجابت این دعا را با تمام وجود احساس می کنم. ادامه دارد....



بهار

نویسنده: عرفان نظر آهاری

مادر، تنگ بلور را از آب جیحون پر می کند و ماهی بی تاب می شود، زیرا که ماهیان بوی جوی مولیان را می شناسند و ما دعا می کنیم که آن ماهی از جوی مولیان تا دریای بیکران؛ عشق را یکریز شنا کند. مادر می گوید: "ما همه ماهیانیم بی تاب دریای دوست."

مادر، پری از سیمرغ بر سفره می گذارد تا به یادمان بیاورد که سفری هست و سیمرغی و کوه قافی و ما همه مرغانیم در پی هددهد، باشد که پست و بلند این سفر را تاب بیاوریم که هر پرنده سزاوار سیمرغ است. مبادا که گنجشکی کنیم و زاغی و طاووسی که سیمرغ ما را می طلبد.

مادرم، شاخه ای سرو بر سفره می نشاند که نشان سربلندی است و می گوید: تعلق بار است، خموده و خمیده تان می کند و بی تعلقی سرافرازی و سرو این چنین است، بی تعلق و سرافراز و آزاد؛ باشد که در خاک جهان سرو آزاد باشیم.

سین هفتم هفت سین مان، سرمه ای است از خاک وطن که مادر آن را توتیای چشمش کرده است. ما نیز آن را بر چشم می کشیم و از توتیای این خاک است که بینا می شویم و چشم مان روشن. مادر آب می آورد و آیینه و قرآن، و سپند را در آتشدان می ریزد و گردآگرد این سرزمین می چرخاند، سینه‌نده برای دفع چشم زخم آنکه شور و شادی و شکوه این سرزمین را نتواند دید.

نام مادرم بهار است و ما دوازده فرزندیم. خواهر بزرگم، فروردين و برادر کوچکم، اسفند است. پدرم بازگشته است، پیروز؛ و عمومیم نوروز، پیش ماست و مادر به شکرانه این شادمانی، سفره ای می چیند و جشنی می گیرد.

اولین سین سفره ما سیبی سرخ است که مادر آن را از شاخه های دور آفرینش چیده است، آن روز که از بهشت بیرون می آمد. ما آن را در سفره می گذاریم تا به یاد بیاوریم که جهان با سیبی سرخ شروع شد؛ همنونگ عشق. مادر سکه هایی را در ظرف می چیند، سکه هایی از عهد سلیمان را، سکه هایی که به نام خدا ضرب خورده است و می گوید: "باشد که به یاد آوریم که تنها خدا پادشاه جهان است و تنها نام اوست که هرگز از سکه نمی افتد و تنها پیام آوران اویند که بر هستی حکومت می کند و سکه آنان است که از ازل تا ابد، رونق بازار جهان است".

مادر به جای سنبل و به جای سوسن، گیاه سیاوشان را بر سفره می گذارد، که از خون سیاوش روییده است. این سومین سین هفت سین ماست تا به یاد آوریم که باید پاک بود و دلیر و از آتش گذشت و بدانیم که پاکان و عاشقان را پروای آتش نیست. مادر می گوید: "ما عاشقی می کنیم و پاکی، آنقدر تا سوگ سیاوش را به شور سیاوش بدل کنیم".

و سین چهارم مان، سرود سروش است تا از سیزپوشان آسمان یادی کنیم و یاری بخواهیم که جهان اگر سبز است، از سبزی آنان است و هر سبزه که هر جا می روید از رذپای فرشته ای است که پا بر خاک نهاده است.



آدمی که یک بار خطا کرده باشد و پاش لغزیده باشد و بعد هم پشیمان شده باشد، مطمئن‌تر است از آدمی که تا به حال پاش نلغزیده!

این حرف سنگین است ... خودم هم می‌دانم. خطانکرده تازه وقتی خطا کرد و از کارتون آکبند درآمد، فلزش معلوم می‌شود، اما فلز خطا کرده رو است، روشن است... مثل این کف دست، کج و معوج خطش پیداست. از آدم بی خطا می‌ترسم، از آدم دو خطا دوری می‌کنم؛ اما پای آدم تک خطا می‌ایستم.

رضا امیرخانی، رمان قیدار

آن شب آرام آمد

نوشته‌ی کیت چاپین
ترجمه‌ی ماندانا قدیانی

من علاقه‌ای به انسانها یعنی زندگی و اعمال شان ندارم، شخصی گفت: "بهتر است به جای ده کتاب یک انسان را مطالعه کنیم، اما من نه کتاب می‌خواهم نه انسانها را چون باعث آزارم می‌شوند. آیا یکی از آنها می‌تواند با من همچون آن شب - یعنی شب تابستانی، ستارگان یا آن نسیم ملایم حرف بزند؟"

همانطور که زیر درخت افرا دراز می‌کشیدم آن شب با خیال اینکه من نفهمیدم آرام، آهسته، دزدانه و پاورچین پاورچین از میان دره، خطوط درختان و شاخ و برگ‌های اطرافش که با مراسم عشای ربانی همخوانی داشت و از شرق و غرب آمد تا اینکه نوری در آسمان پدیدار گشت که از میان برگ‌های درخت افرا در حال عبور بود و یک ستاره از هر روزنه ای به پایین می‌نگریست.

آن شب، شبی گرفته و رمز آلود بود.

سایه انسانها بسان اشیای نامرئی پرواز می‌کرد، برخی مانند موش کوچکی آهسته آمدند تا نگاهی به من بیندازند؛ اما من اهمیت ندادم. تمام وجودم را به دست آرامش و نفوذ نمودن در زیبایی شب سپردم. حشرات راست بال شروع به جیر جیر شبانه کردند و هنوز هم در حال انجام این کار هستند، اما مثل آدم‌ها و راجی نمی‌کنند؛ بلکه فقط به من می‌گویند: «بخواب، بخواب، بخواب.»

باد، برگ‌های درخت افرا را همچون هیجانات گذرای عشقی پر شور به صورت موج وار می‌جنیاند، چرا انسان‌های نادان سریار زمین می‌شوند؟ این صدای مردی بود که کارش شکستن طلس ساحران بود و امروز با کلاس انجیل خویش آمد. با آن گونه‌های سرخ، چشمان درشت و سیاه، نطق و رفتار خشن ظاهری نفرت انگیز داشت. او از حضرت مسیح چه می‌دانست؟ آیا باید از آن جوان نادان که دیروز متولد شد و فردا از دنیا خواهد رفت بخواهم چیزهایی در مورد مسیح به من بگوید؟ ستارگان را به آن مرد ترجیح می‌دهم چون آنها حداقل حضرت مسیح را دیده‌اند!

در بخششوم

سَاعَهُ فَرَادِيَانِ نَزَلَ بِهِسْرَهُ مُوَيَّنْ بِكَسَنْ لِبَنَانْ
مُشْعُونَمْ خَبَرَ سَدِيدَ كَهْ شَاقِزَرَهُ مُؤْنَى الْدَوَرَهُ عَكَمَ قَمَ رَاكِهُ جَمِيمَ
سَهْ دَارَسَهُ مَغْرُولَ كَرَهُ بُودَمْ بَهْ تَصِيرَهُ خَوْرَهُ بَعْدَ وَرْتَهَهُ
سَخْنَنَ نَهْرَهُ بَرْزَهُنَ رَاهَهُهُ دَهْ . فَرَسَادَمْ لَادَهَتَ الْحَفَظَهُ
بَهْرَانَ بَهْ دَرِيدَهُ ، عَلِمَحَرَتَ بَهْنَهَدَ كَهْ دَارَهُ لَمُورَهَلَهَتَ
بَاهْ تَصِيرَهُ عَمَرَهُ خَالَهُهُ نَهْنَهُهُ . نَرَهْ بَهْ بَهْتَهْ تَصَ

در نامه فوق امیرکبیر پسر ناصرالدین شاه را به جرم رشوه از حکومت قم عزل کرده و به شاه می نویسد: "فرستادم او را به تهران بیاورند تا اعلیحضرت بدانند، اداره امور مملکت با توصیه عمه و خاله نمیشود."

سلامتی

خاص ترین نعمت خداوند فرح خدابنده (پویا کاشانی)

سلامتی، سلامتی، سلامتی، سلامتی، سلامتی؛ این خاکستری‌ترین، بیشترین و بهترین خواسته از خداوند متعال است که هر کس در هر مقام، قدرت، دانش و سنی که باشد باید آرزو کند؛ زیرا در هر یک از موقعیت‌های بالا که باشد اگر سالم نباشد حتی دنیا هم مال او باشد لذتی از زندگی نخواهد بردا و خیلی خیلی متأسف هستم که بسیاری افراد با داشتن همه چی موقع دعا بجای خواستن سلامتی از خدا باز هم می‌گویند؛ خدایا به ما پول بدءاً درست است که پول مشکل گشاست، ولی وقتی که با تمام دارائی هایشان دکتر می‌گوید که دیگر کاری از دست ما بر نمی‌آید، فقط دعا کنید؛ باید فکر کرد که سلامتی یعنی قدرت یعنی زنده بودن. سلامتی تاجی است بر سر انسان‌ها که فقط اشخاص بیمار قادر به دیدن آن هستند، یعنی چیزی که آدمهای سالم هرگز نمی‌بینند. ای خدا این بندۀ هات کی بیدار می‌شوند؟ فکر نمی‌کنم هیچ وقت! چون همه را می‌بینم با تحصیلات بالای بالا حتی پزشکان عزیزمان که بیشتر از همه بیماری‌ها را می‌شناسند، هم خودشان و هم بیمارانشان را نمی‌ترسانند که باید نگذارید دیر شود. ضمناً خداوند می‌فرماید تا درست نخورید با دعا کردن هم نمی‌توانید سالم بمانید. من دعای شما را وقتی اجابت می‌کنم که شما هم براه من بروید، زیرا سلامتی بزرگ‌ترین شاهکار من بعد از خلقت انسانست. چگونه شکرت کنم که لایق اینهمه لطف تو باشم خدایا!



غم ات را پنهان کن
تا زخم نبینی
نگذار تا زخمها یت
بر اندوهم تل انبار شود
تک تک بندها یت
با وجودم هم بندند
تو انتهای رهایی خواهی ماند
تا روزی که آموخته هایم را
به تو پس دهم
تا آن روز...
غم ات را پنهان کن تا زخم نبینی

مهرزاد



می گویند بهار است.

می گویند نشاط و شادابی را با عمق جانت حس می کنی.

می گویند گل ها و سبزه زار در انتظار نوازش چشمان توست.

می گوییم باید بخواهم تا دل نیز بهاری شود.

می گوییم شوق خواستن و رویدن نیکی ها در من جان

گرفته، فقط باید بخواهم تا بهاری شوم.

می گوییم ای کاش کاش ها را نمی دیدم و فقط اراده می کردم

و می شد آنچه که در من با نام خواستن ریشه دوانده.

می گویند قدم هایت را کوتاه بردار و در هر قدم از او

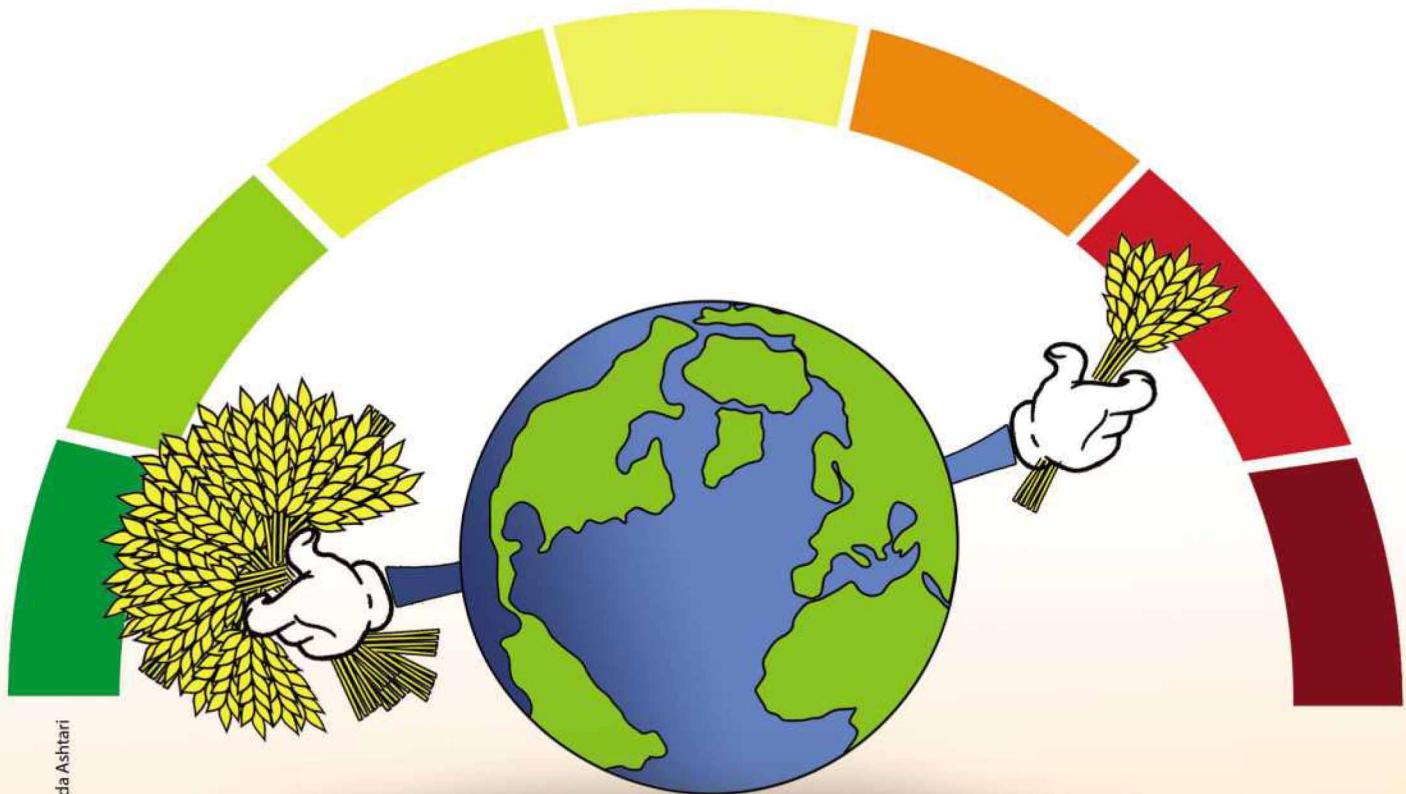
بخواه تا کور سوی امیدی باشد در مسیر راهت تا غم نخوری.

محمد علیزاده ثانی



برنامه
جهانی غذا

wfp.org/fa



WFP/Yalda Ashtari

در دنیا غذای کافی برای همه وجود دارد

اما مشکل اینجاست که بسیاری از مردم دنیا درآمد کافی برای تهیه غذا نداشته و یا به غذای مغذی و سالم دسترسی ندارند.

برنامه جهانی غذا سازمان ملل متحد بزرگترین آژانس بشردوستانه دنیا در مبارزه با گرسنگی در تلاش است تا با ارائه کمک‌های غذایی و همکاری با جوامع در هنگام بحران به بازسازی وضعیت معیشت آسیب دیدگان بپردازد.

با ما همراه شوید

بانک تجارت، بنام برنامه جهانی غذا

شماره کارت جهت واریز کمک‌های نقدی ۵۸۵۹ ۸۳۷۰ ۰۰۴۹ ۶۷۸۲

📞 ۲۲ ۸۶ ۳۴ ۹۹
🌐 wfpiran

هر روز ۶ کودک مبتلا به سرطان

تحت حمایت محک قرار می‌گیرند.

”این یک حقیقت تلخ است؛ اما سال‌هاست با مشارکت شما
حمایت از همه کودکان مبتلا به سرطان ایران با امید
رسیدن به شیرینی سلامتی محقق شده است.

“

”

روش‌های حمایت از کودکان محک:

۶۰۳۷-۹۹۱۱-۹۹۵۰-۰۵۹۰ شعاره کارت:

۰۲۱-۲۳۵۴۰# * ۰۲۱-۲۳۵۴۰# * ۰۷۸۰*

از اینکه به پیام ما توجه می‌کنید، سپاسگزاریم.

تلفن بازدید از محک: ۰۲۱-۲۳۵۰۱۲۱۰



محک

مؤسسه خیریه حمایت از
کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org